

تاریخ بخارا

تاریخ امیران بخارا مشتمل بر سه کتاب از
احمد مخدوم دانش، عبدالعظیم سامی، صدرالدین عینی

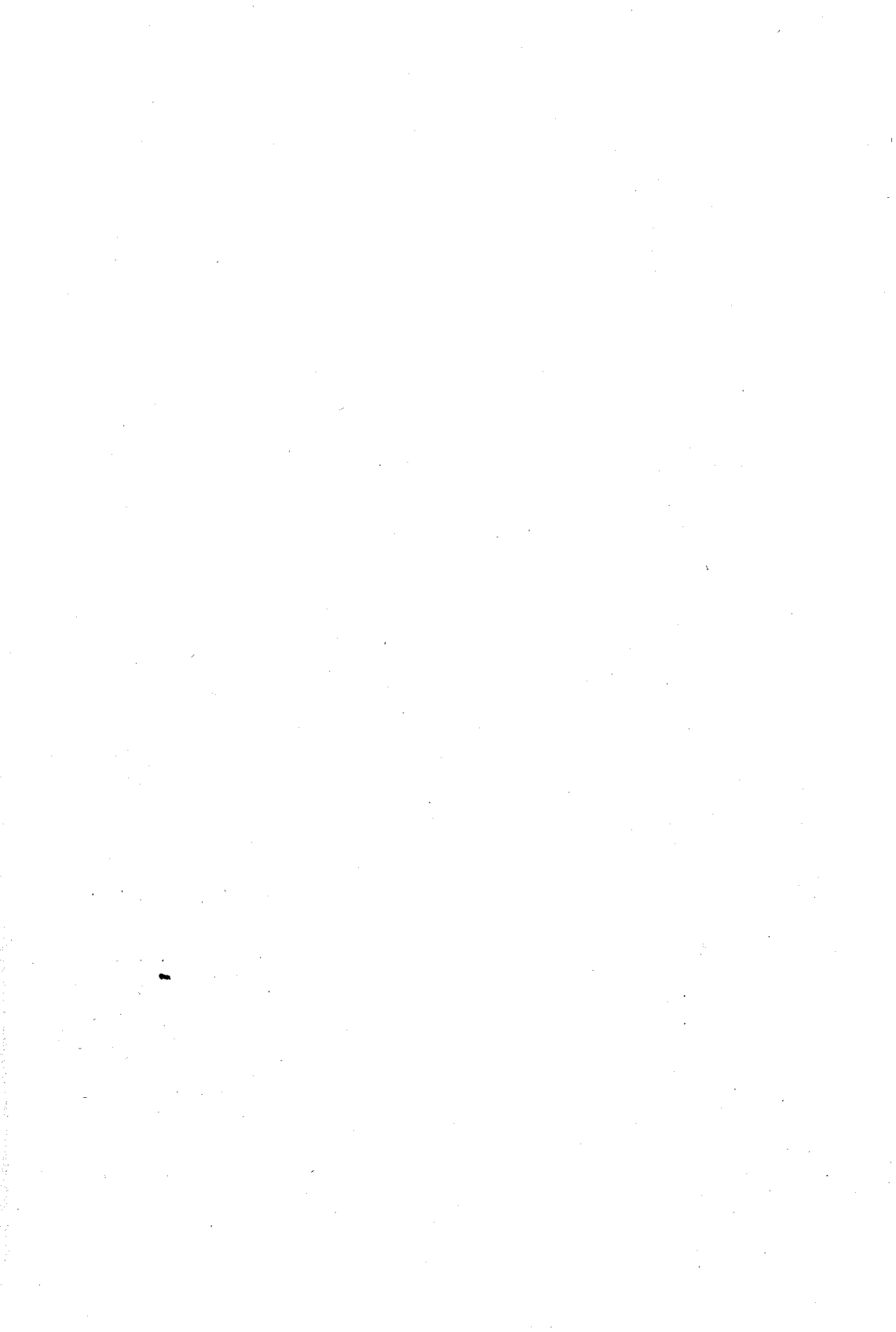
دیباچه، تصحیح و پیوست‌ها

دکتر حسن شجاعی مهر



به نام خداوند





تاریخ بخارا

تاریخ خانات آسیای مرکزی و امیران بخارا در قرن نوزدهم

مشمول بر سه کتاب:

رساله یا مختصری از تاریخ سلطنت خاندان منغیتیه

احمد مخدوم دانش

تاریخ سلاطین منغیتیه

عبدالعظیم السامی

تاریخ امیران منغیتیه بخارا

صدرالدین عینی

دیباچه، تصحیح و پیوست‌ها

دکتر حسن شجاعی مهر



نشریات کتابخانه ملی و اسناد ایران

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک / فروست
یادداشت

موضوع
شناسه افزوده

رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

شجاعی مهر، حسن، ۱۳۴۸-، گردآورنده، مصحح، مقدمه نویس
بخارا: تاریخ خانات آسیای مرکزی در قرن نوزدهم مشتمل بر: رساله یا مختصری از تاریخ سلطنت
خاندان منغیتیه/ احمد مخدوم دانش/ تاریخ سلاطین منغیتیه/ عبدالعظیم بسامی/ تاریخ امیران
منغیتیه بخارا/ صدرالدین عینی؛ [گردآورنده]، دیپاچه، تصحیح و پیوستها حسن شجاعی مهر.
تهران: نگارستان اندیشه، ۱۴۰۱.

۵۱۵ص.؛ مصور (بخشی رنگی).
8-36-5273-622-978/ مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز؛ ۶.

کتابنامه: ص. ۳۶۳-۳۶۸. نمایه.

منغیتیان بخارا-- ۱۷۵۳-۱۹۲۰م. بخارا (خان نشین)-- تاریخ. Mangitids of Bukhara
دانش، احمد مخدوم، ۱۸۲۶-۱۸۹۷م. بسامی، عبدالعظیم، ۱۸۳۸؟-۱۹۰۷م. عینی،
صدرالدین، ۱۸۷۸-۱۹۵۴م. Aini, Sadrickin.

DK۸۴/۹۳۸

۹۵۸/۷

۹۱۱۶۲۵۶

تاریخ بخارا

تاریخ خانات آسیای مرکزی در قرن نوزدهم

مشتمل بر سه کتاب:

رساله یا مختصری از تاریخ سلطنت خاندان منغیتیه

تاریخ سلاطین منغیتیه

تاریخ امیران منغیتیه بخارا

دیپاچه، تصحیح و پیوستها:

دکتر حسن شجاعی مهر

ناشر: نگارستان اندیشه

نوبت چاپ: نخست، ۱۴۰۲

طراح جلد: سعید صحابی

صفحه آرای: مرتضی انصاف منش

چاپ و صحافی: درسیم

قیمت: ۵۴۰ هزار تومان

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

8-36-5273-622-978

حقوق نشر، برای ناشر محفوظ است.

نشانی: م. انقلاب، ابتدای خ آزادی، خ بهزاد، شماره ۲۹، واحد ۷

تلفن: ۶۶۴۳۵۴۱۶ / نمایه: ۶۶۹۴۲۵۴۲

www.cins.ir - info@cins.ir



انشارات نگارستان اندیشه

تقدیم به استاد فرهیخته
دکتر محمدعلی اکبری

با سپاس از مادر، خواهر و همسر عزیز

فهرست

مقدمه مصحح ۱۵

کتاب نخست:

رساله یا مختصری از تاریخ سلطنت خاندان منغیتیه تالیف احمد مخدوم دانش

مقدمه	۱۱۵
متن	۴۰
۱. [خرابی نظم امارت در زمان امیر دانیال و طرز سلطنت امیر شاه مراد]	۴۵
۲. [بعضی از وقایع زمان سلطنت امیر حیدر]	۵۴
۳. [مرگ امیر حیدر و زمان سلطنت امیر حسین و امیر عمر]	۵۵
۴. [زمان سلطنت امیر نصرالله و طرز مملکت داری او]	۵۷
۵. [بعضی از وقایع زمان سلطنت امیر مظفر، طرز معیشت و مملکت داری او و مسافرت‌های مولف به روسیه]	۵۹
۶. [نظم امارت و بعضی از وقایع زمان سلطنت امیر عبدالاحد]	۱۳۵

کتاب دوم:

تاریخ سلاطین منغیتیه تالیف عبدالعظیم السامی

جلوس عبدالمومن خان بن ابوالفیض خان ۱۱۵۶ ق	۱۵۲
جلوس عبیدالله خان ابن ابوالفیض خان در سنه ۱۱۵۷ ق	۱۵۳
جلوس رحیم خان در سنه ۱۱۵۷ ق	۱۵۳
بیان جلوس امیر دانیال امیر کبیر	۱۵۵
جلوس امیر معصوم غازی شاه مراد نور مرقده ۱۱۹۹ (ق)	۱۵۶
جلوس امیر حیدر سید ابن امیر معصوم غازی ۱۲۱۶	۱۵۸
جلوس امیر حسین خان ابن امیر حیدر ۱۲۴۱ ق	۱۵۹
جلوس امیر عمر خان ابن امیر حیدر ۱۲۴۱ ق	۱۵۹
جلوس امیر نصرالله بهادر خان ابن امیر حیدر ۱۲۴۲ ق	۱۶۰

لشکر کشیدن جناب عالی از برای تادیب توره و استیصال ایلاتیه.....	۱۸۴
آغاز خروج صدیق توره قزاق و مسخر ساختن او کرمینه را و مراجعت جناب عالی از شهر سبز.....	۱۸۵
چاره جستن جناب عالی از کبورناظر از برای تسکین مواد فساد توره و لشکر فرستادن او از بالای ولایت نسف و	
فرار توره.....	۱۸۸
نامه کردن جناب عالی به حاکمان شهر سبز از برای قید دادن توره و فرستادن عثمان بیگ ایشیک آقاباشی و قتل	
او به دست توره.....	۱۹۰
لشکر فرستادن جناب امیر از برای فتح شیرآباد و تادیب اهل فساد و دوباره به تصرف درآمدن آن و حصار شادمان	
و سایر بلاد.....	۱۹۴
بیان لشکر کشی به عزم انتزاع ولایت شهر سبز و کتاب و فتح ولایت یکه باغ و چراغچی.....	۱۹۵
ذکر ولیعهدی میر عبدالاحد خان.....	۱۹۷
جلوس امیر عبدالاحد بن امیر مظفر بهادر خان ۱۳۰۳.....	۱۹۷
ذکر احوال وارده دولت روسیه بعد از جنگ چایون و شکستن آن ۱۳۲۴.....	۲۰۶
ذکر ضبط و سرشته خزاین و بیوتات و تصرف ملک و مال و امورات و اخذ جایه و زکوات ولایات.....	۲۰۹

کتاب سوم:

تاریخ امیران منغیتیه بخارا تالیف صدرالدین عینی

یک دو کلمه از طرف مرتب.....	۲۲۱
مقدمه حکمرانی رحیم خان بن حکیم اتالیق منغیت.....	۲۲۲
۱. شهادت ابوالفیض خان به دست رحیم خان.....	۲۲۳
۲. ایام استقلال و وفات رحیم خان.....	۲۲۴
۳. امیر دانیال بن خدایار اتالیق.....	۲۲۵
۴. بعضی ملاحظات.....	۲۲۵
۵. ذکر جلوس امیر شاه مراد (معصوم بی).....	۲۲۶
بعضی اخبار امیر شاه مراد و خاتمه کارش.....	۲۲۹
تخریب اوراتپه و تعمیر سمرقند.....	۲۲۹
۶. ذکر جلوس امیر حیدر بن شاه مراد.....	۲۳۳
معامله امیر حیدر با علما.....	۲۳۵
بعضی احوال امیر حیدر و خاتمه کارش.....	۲۳۶
۷. ذکر جلوس امیر حسین، امیر عمر و نصرالله بهادر (پسران امیر حیدر).....	۲۳۸
۸. امیر نصرالله - انگلیس و روس.....	۲۳۹
امیر نصرالله و فرغانه.....	۲۴۱
امیر نصرالله و کینه گس.....	۲۴۳
امیر نصرالله و علما.....	۲۴۳

۲۴۴	امیر نصرالله و عسکر نظامی
۲۴۵	امیر نصرالله و دوست محمد خان
۲۴۶	بعضی احوال امیر نصرالله و خاتمه کارش
۲۴۷	۹. ذکر جلوس امیر مظفر بن نصرالله بهادر
۲۴۹	۱۰. امیر مظفر و فرغانه
۲۵۲	۱۱. امیر مظفر و روسیه
۲۵۴	۱۲. سقوط دینخ
۲۵۶	۱۳. واقعه اختلال ملایان و قتل عام ایشان
۲۵۹	۱۴. محاربه امیر مظفر و روس در سمرقند
۲۶۱	۱۵. الحاق سمرقند به دولت روسیه
۲۶۴	۱۶. آغاز عصیان عبدالملک خان، سقوط پنجشنبه و کته قورغان
۲۶۷	۱۷. محاربه زیره بلاغ و صلح
۲۶۹	۱۸. لشکر کشیدن امیر مظفر برای تادیب توره و تشکیل ایلاتیه
۲۷۱	خروج صدیق توره و بازگشت امیر به بخار
۲۷۲	۱۹. چاره جستن امیر مظفر از دولت روسیه برای تسکین مواد فساد توره
۲۷۶	۲۰. انجام کار عبدالملک توره
۲۷۸	یعقوب بچه که بود؟
۲۷۹	لشکر فرستاد امیر مظفر به شیر آباد و حصار شادمان
۲۸۰	۲۱. فتح شهر سبز و کتاب به دستگیری عسکر روسیه
۲۸۳	۲۲. امیر مظفر و افغانستان
۲۸۳	ورود امیر کبیر عبدالرحمن خان است به بخارا
۲۸۷	۲۳. امیر مظفر و علما
۲۹۱	۲۴. برخی از احوال امیر مظفر و خاتمه کارش
۲۹۴	۲۵. ذکر امیر عبدالاحد
۲۹۷	۲۶. راه مداخله حکومت بخارا در عهد عبدالاحد
۲۹۹	۲۷. امیر عبدالاحد و علما
۳۰۱	۲۸. امیر عبدالاحد و مسئله مکتب
۳۰۲	۲۹. واقعه شیعه و سنی
۳۰۴	۳۰. بعضی احوال امیر عبدالاحد
۳۰۷	هوالمستعان
۳۰۸	آثار خیریه‌اش
۳۰۹	اعتزار - پوزش
۳۰۹	۳۱. نتیجه مسئله مکتب و فتنه شیعه و سنی و وفات عبدالاحد
۳۱۱	۳۲. درجه استقلال و قوه حریه بخارا در عهد عبدالاحد

۳۱۲.....	قوه حریبه بخارا.....
۳۱۴.....	۳۳. جلوس امیر عالم و فرمان اصلاحات نخستین.....
۳۱۶.....	۳۴. مقایسه میان امیر عالم و عبدالاحد.....
۳۱۸.....	۳۵. از اداره امیر عالم یک منظره فاجعه (از احوال کوهستان بخارا).....
۳۲۱.....	۳۶. اشخاص مشهور عهد امیر عالم.....
۳۲۳.....	۳۷. در بخارا فکر انقلاب.....
۳۲۵.....	۳۸. مسئله اصلاحات.....
۳۲۷.....	۳۹. تاثیر انقلاب فورالی به بخارا.....
۳۳۰.....	۴۰. ارتجای امیر و قوشیگی.....
۳۳۲.....	۴۱. نسخه فرمان اصلاحات (عینا).....
۳۳۴.....	۴۲. نمایش و عکس الحركت.....
۳۳۷.....	۴۳. امید جوان بخارییان و معامله حکومت بخارا.....
۳۴۰.....	۴۴. حکومت امیر عالم از انقلاب روسیه چه استفاده برد؟.....
۳۴۲.....	۴۵. انقلاب اکتبر، حکومت بخارا و جوان بخارییان.....
۳۴۳.....	۴۶. واقعه کالسوف.....
۳۴۷.....	۴۷. سیاست امیر عالم بعد از واقعه کالسوف.....
۳۵۱.....	۴۸. بعد از واقعه کالسوف جوان بخارییان و واقعه سال ۱۹۲۰.....
۳۵۳.....	۴۹. تفصیل فرار امیر عالم.....
۳۵۵.....	۵۰. لطیفه.....
۳۵۶.....	خاتمه.....

نمایه‌ها

۳۵۹.....	نمایه‌های نام و جای:
۳۵۹.....	نام کسان.....
۳۷۱.....	جای‌ها.....
۳۷۸.....	نمایه‌های جغرافیای تاریخی:
۳۷۸.....	نمایه‌های فرهنگی:
۳۷۸.....	آیه‌های قرآن.....
۳۷۹.....	اصطلاحات محلی.....
۳۸۰.....	اصطلاحات نجومی.....
۳۸۱.....	حدیث‌ها.....
۳۸۱.....	سجع مهرها.....
۳۸۲.....	شعرها.....
۳۸۵.....	گنج واژه‌ها (عربی، ترکی، فارسی).....
۳۸۶.....	ماده تاریخ‌ها.....

۲۸۷	جغرافیای طبیعی:
۲۸۷	بیابان‌ها و صحراها
۲۸۸	پدیده‌های طبیعی
۲۸۸	جانوران
۲۸۸	چشمه‌ها
۲۸۸	دریا و دریاچه‌ها
۲۸۸	دشت‌ها، مرغزارها و جلگه‌ها
۲۸۹	رودها
۲۸۹	قتلاقی‌ها و ییلاق‌ها
۲۸۹	کوه‌ها و دره‌ها
۳۹۰	جغرافیای سیاسی - اقتصادی:
۳۹۰	امیران
۳۹۰	بناها و امکانات حکومتی
۳۹۱	جنگ افزارها
۳۹۲	جنگ‌ها و شورش‌ها
۳۹۴	دیوانسالاری و حکومت داری
۳۹۴	رخ دادهای اقتصادی
۳۹۵	رخ دادهای سیاسی
۳۹۵	سپاهیان
۳۹۶	سلاطین
۳۹۷	سلسله‌ها، حکومت‌ها و دولت‌ها
۳۹۸	شاهان
۳۹۸	شاه افزارها
۳۹۸	عهدنامه‌ها
۳۹۸	کاخ‌ها
۳۹۹	کیفرها
۳۹۹	فرمان‌ها
۴۰۰	قوانین و احکام
۴۰۰	مالیات‌ها و حقوق و درآمدها و هزینه‌ها
۴۰۳	مقام‌ها و منصب‌ها
۴۰۷	جغرافیای فرهنگی - شهری:
۴۰۷	بازارها
۴۰۷	بناهای شهری
۴۰۸	بندها و چاه‌ها و کاریزها

۴۰۹	بل‌ها
۴۰۹	چهار باغ‌ها و باغ‌ها
۴۰۹	خانقاه‌ها
۴۰۹	دروازه‌ها
۴۱۰	رباط‌ها و مهمان‌خانه‌ها
۴۱۰	زمین‌ها
۴۱۰	قلعه‌ها
۴۱۱	گورخانه‌ها
۴۱۱	محل‌ها و گذرها
۴۱۲	مدرسه‌ها و مکتب‌ها
۴۱۲	مزارها و مقبره‌ها
۴۱۳	مسجدها، مصلی‌ها، جامع‌ها، نمازگاه‌ها، عیدگاه‌ها
۴۱۳	جغرافیای انسانی - اجتماعی:
۴۱۳	ایشان‌ها
۴۱۳	ایلات
۴۱۴	جماعت‌ها
۴۱۵	خواجه‌گان
۴۱۵	زنان و اصناف زنان
۴۱۶	سادات
۴۱۶	شاعران
۴۱۷	شیوخ
۴۱۷	طبقه اجتماعی
۴۱۸	قاضیان
۴۱۹	مخدومان
۴۱۹	مردمان
۴۲۰	مفتی‌ها
۴۲۰	ملاها
۴۲۱	میرزاها
۴۲۲	هنرمندان
۴۲۲	جغرافیای فرهنگی - اجتماعی:
۴۲۲	آداب و رسوم
۴۲۳	آیین‌ها و نیایش‌ها
۴۲۴	ابزارهای کهن
۴۲۴	ابزارهای عصر جدید

۴۲۵	انواع اسبها و نام اسبهای خاص
۴۲۵	اوقاف
۴۲۵	باورها
۴۲۶	بازیها و ورزشها
۴۲۶	بیماریها
۴۲۶	پیشهها
۴۲۸	تفریح
۴۲۸	جشنها
۴۲۹	خوراکیها و نوشیدنیها
۴۳۰	حمل و نقل
۴۳۰	دخانیات و مسکرات
۴۳۰	دشنامها
۴۳۱	روزنامهها و نشریهها
۴۳۱	زبانها و گویشها
۴۳۲	عطرها و لوازم آرایش
۴۳۲	علوم
۴۳۲	فرقهها و مذهبها
۴۳۳	القاب شهرها
۴۳۳	کالاهای بازرگانی
۴۳۴	کتابها
۴۳۶	گروههای سیاسی و اجتماعی
۴۳۷	گناهان و عادات ناپسند
۴۳۸	گوهرها و زیورها
۴۳۸	لباسها و جامهها
۴۳۹	لقب و عنوانها
۴۳۹	موسیقی و سازها
۴۴۰	هنرها
۴۴۰	نشانها
۴۴۱	واحد پول
۴۴۱	واحدها و مقیاسهای اندازه گیری
۴۴۳	فرهنگنامه فرارودی
۴۵۵	نمایه لاتینی جایها در فرارود
۴۶۳	منابع و مراجع به کار آمده
۴۶۹	عکسها

مقدمه مصحح

رساله یا مختصری از تاریخ سلطنت خاندان منغیتیه^۱ تألیف احمد مخدوم دانش، تاریخ سلاطین منغیتیه^۲ تألیف عبدالعظیم سامی، تاریخ امیران منغیتیه بخارا^۳ تألیف صدرالدین عینی، از مهمترین منابع تاریخی دوره آغازین تاریخ معاصر آسیای میانه^۴ به ویژه خانگری بخارا در دوره تسلط روسیه بر این سرزمین است. مجموعه تاریخ خانگری بخارا^۵ تاریخ نیمه دوم سده نوزدهم و نیمه نخست سده بیستم میلادی خانگری بخارا است که با این سه منبع دست اول تاریخی، از این سه مورخ که در یک دوره تاریخی زیسته‌اند ولی با دیدگاه‌های گوناگونی به رخدادهای تاریخی آن توجه داشته‌اند و با سه شیوه تاریخ‌نگاری متفاوت تاریخ خود را نگاشته‌اند، گردآوری شده است.

دانش با حضور سیاسی و عالمانه در بخشی از تاریخ روایت شده خود روشنفکرانه و عالمانه به تاریخ انتقادی و باریک‌بینانه و نکته‌سنجانه از خانگری بخارا پرداخته است. سامی با حضور به عنوان واقعه‌نویسی رسمی حکومتی در بخشی از تاریخ روایت شده در کتاب خود به صورت ناظر حوادث، دبیرانه و منشیانه به تاریخ‌نگاری واقع‌گرا و انتقادی ولی رسمی و درباری به تاریخ خانگری بخارا پرداخته است. عینی با حضور فعال سیاسی و به عنوان یک انقلابی پرشور در بخش مهمی از تاریخ روایت شده در

۱. رساله یا مختصری از تاریخ سلطنت خاندان منغیتیه تألیف احمد مخدوم دانش که به سعی و اهتمام و تصحیح عبدالغنی میرزایف با زبان و خط فارسی (تایپ شده) در چاپخانه «شریات دولتی تاجیکستان» در استالین آباد (خجند) در سال ۱۹۶۰ میلادی چاپ شده است.

۲. تاریخ سلاطین منغیتیه تألیف میرزا عبدالعظیم سامی با همت «انستیتوت شرقشناسی اکادمیه فنه‌ای رس. س. اوزبکستان» و با مقدمه، ترجمه و ایضاحات لاریسا میخائیلوونا ییپفانووا با زبان و خط فارسی (قلمی کتابت) در مسکو در سال ۱۹۶۲ میلادی چاپ سنگی شده است.

۳. "Таърихи амирони мангитияи Бухоро" تألیف "Садриддин Айний" با همت انستیتوی شرق شناسی تاجیکستان و تحت نظارت هیات تحریریه شامل س. عمروف، م. تورسان زاده، خ. عینی، ه. نعمت‌اله یف با تهیه کنندگی ک. عینی و رحیم‌هاشم و همچنین تحریر رحیم‌هاشم با زبان فارسی و خط سریلیک در شهر دوشنبه چاپ شده است.

۴. مراد از دوره آغازین تاریخ معاصر آسیای میانه دوره ای است که تسلط نظامی روسیه تزاری بر مناطق مسلمان نشین ماورای آمودریا تا رود ایلی صورت پذیرفت.

کتاب خود، ادیبانه و انقلابی مسلک با سبک تاریخ‌نگاری جدید علمی و منتقدانه به تاریخ خانگری بخارا پرداخته است. با مطالعه مقایسه ای این سه منبع تاریخی، تحلیل تاریخی رخدادهای خانگری بخارا به ویژه در دوره تسلط روسیه بر این سرزمین آسان تر خواهد بود.

توصیف پیشینه این سه مورخ به ترتیب زیر است:

۱. احمد مخدوم دانش بخارایی^۶ (۱۸۲۷-۱۸۹۷م) (۱۲۴۲-۱۳۱۴ق) (۷۰ سال به میلادی) متفکر، ادیب، شاعر، نویسنده، منجم، مهندس، طبیب و موسیقی‌دان تاجیک، زاده بخارا که به سبب دانش زیاد در علوم و فنون گوناگون به «احمد کله»^۷ و «حکیم بخارا» مشهور بود و دانش نام ادبی و تخلص شعری او بود^۸. دانش تأثیر چشمگیری در تجدید اندیشه علمی و ادبی زمانه خود داشت. او در جوانی نقاشی و خوشنویسی را فرا گرفت و به تاریخ و فلسفه علاقه داشت. او در دوره‌های مختلف به عنوان و منصب دبیر، کاتب، منجم، معمار، نگارگر و خوشنویس در خدمت دربار خانگری بخارا بود^۹ و سه بار هم در هیات‌های سفارت خانگری بخارا به روسیه به عنوان میرزا^{۱۰} و امام اعزام شده بود^{۱۱} و در آنجا با پیشرفت علمی و فرهنگی روسیه از جمله برق، راه آهن، خیابان‌های آسفالت، نوع حمل و نقل، پزشکی و قصرهای مجلل آشنا شد و پس از بازگشت، به این نتیجه رسید که اصلاحات جزئی برای سامان امور کافی نیست و حکومت نیاز به اصلاحات بنیادین دارد. از این رو در قالب منتقد و اصلاح‌گرا کتاب‌های متعددی از

۶. Ахмад Махдум Данеш Бухорой؛ نام اصلی او میر احمد بن نصیر است.

۷. «Ахмад Калла»

۸. نمونه شعر دانش که در مورد فضایل خودش به امیر مظفر انشاء کرده است:

«منم که در صف اهل هنر هژبر دمان منم که در چمن علم و فن، چمیده غزال

منم که دور فلک، در هزار سال چون من نیاورد به زمین، مظهر هزار افضال

هنر، کدام که با من نگشت روی به روی کدام علم که با من نکرد استقبال»

۹. در سال ۱۸۵۵ میلادی به عنوان کاتب به دربار امیر نصرالله راه یافت. او در این دوره نسخه‌های قدیمی زیادی را رونویسی کرد. او در دوره امیر مظفر در سال ۱۸۶۰ منجم دربار گردید و سه ماموریت به سفارت بخارا به روسیه رفت، اما آخر کارش به تبعید انجامید. پس از مرگ امیر مظفر دانش به بخارا بازگشت و در دوره امیر عبدالاحد کتابدار یکی از مدارس بخارا گردید.

۱۰. میرزا: منشی و کاتب

۱۱. دانش بار نخست در پاییز سال ۱۸۵۷ میلادی به همراه هیات سفارت بخارا از طرف امیر نصرالله (۱۸۲۷-۱۸۶۰م) برای تسلیت درگذشت امپراتور نیکلای اول (۱۸۲۵-۱۸۵۵م) و همچنین برای مبارک‌بادی به تخت نشستن الکساندر دوم (۱۸۵۵-۱۸۸۱م) به سن پترزبورگ اعزام می‌شود. او برای بار دوم در سال‌های ۱۸۷۰-۱۸۶۹ میلادی از طرف امیر مظفر (۱۸۶۰-۱۸۸۶م) برای تخفیف شروط صلح نامه ۲۳ ژوئیه سال ۱۸۶۸ به سن پترزبورگ مامور می‌شود. او در این هیات که سه ماه در سن پترزبورگ توقف می‌نماید برای آشنایی با بناهای سن پترزبورگ و هنر و فرهنگ روسیه فرصت می‌یابد. در این سفر به دلیل موقعیت [نسبی شخص] او در این ماموریت لقب «فخر علمی دربار» به دانش اعطا می‌شود. او برای بار سوم در اواخر سال ۱۸۷۳ میلادی سفر خود به روسیه را آغاز کرد و از ژانویه تا مارس ۱۸۷۴ در سن پترزبورگ اقامت داشت و با الکساندر دوم ملاقات نمود و باز هم از پیشرفت‌های این کشور که نسبت به سفرهای گذشته اش بیشتر شده بود سخت تحت تأثیر قرار گرفت. دانش دستاوردهای خود در این سفر را در کتاب نوادرالواقع نگاشته است.

جمله «رساله‌ای در نظم تمدن و تعاون»^{۱۲}، «هوادر الواقع»^{۱۳}، «تاموس اعظم»^{۱۴}، «معیارالتدین»^{۱۵} و سرانجام آخرین افکار و عقاید خویش را در آخرین اثرش «رساله تاریخی»^{۱۶} نوشت. آثار او در جنبش جدیدی بخارا نقش بنیادی گذاشت، هر چند روحانیت سنتی که از حکومت امیر بخارا حمایت می‌کرد، همواره دانش را ملحد اعلام و او را تکفیر می‌کرد.^{۱۷} او کتاب تاریخی «رساله یا مختصری از تاریخ سلطنت خاندان منغییه» را با این پیشینه نگاشته است. پس از دوران تبعید دانش در سال ۱۸۸۵ میلادی و پس از درگذشت امیر مظفر به بخارا بازگشت و در یکی از مدارس به

۱۲. «Рисолае дар назми тамаддун ва таовун»: این رساله در میان سال‌های ۱۸۷۳-۱۸۷۰ میلادی نوشته شده و در آن او برنامه‌ای برای اصلاحات اساسی نظام حکومتی تهیه کرده شیوه‌های نظام‌مند حکومت و ایجاد وزارتخانه‌ها، مجلس مشورتی (تأسیس پارلمان)، محدودیت حقوق امیر، مناسبت دولت‌داران با خلق، پادشاه عادل و عدالت خواه و ارائه خدمات پزشکی و توسعه مراقبت‌های بهداشتی، آبادی و رفاه ابتدایی برای مردم، تغییر شیوه و نظام آموزش و پرورش، آموزش علوم معاصر، یادگیری زبان روسی... را پیشنهاد کرده است. البته پیشنهاد اصلاحات کلی سیستم دولت داری امارت بخارا با مخالفت امیر بخارا مواجه شد و سبب تبعید او گردید. البته این تبعید محترمانه بود و به عنوان مشاور قاضی به نواحی دوردست خزار و نهرچی فرستاده شد.

۱۳. «Наводирул-вакое»: این کتاب تاریخی و فلسفی به مدت ۱۵ سال از ۱۸۷۰ تا ۱۸۸۵ نگاشته شده شامل مجموعه‌ای از مطالب است از جمله دو فصل از کتاب درباره گزارش سفرش به روسیه نوشته (فصل هفتم گزارش سفر ۱۸۶۹ و فصل هشتم سفر سال ۱۸۷۴) و در همین کتاب نسبت به وضعیت جامعه بخارا به شدت انتقاد کرده و با به کارگیری از زبان محاوره ای و استفاده از ضرب‌المثل و به صورت مقاله‌هایی دیدگاه‌های پیشرو و اصلاح‌طلبانه خود را بیان کرده که نقطه اوج اندیشه‌ها و دیدگاه‌های او و مجموعه ای از کاوش‌ها و پیشنهادات سازنده اوست که شامل مقدمه و ۲۰ باب و یک خاتمه که در آن به مسائل فلسفی، اجتماعی، ادبی سیاسی و فرهنگی زمان خویش پرداخته و علل ضعف و عقب‌ماندگی امارت بخارا را بررسی کرده است. از جمله موضوعات مختلف این کتاب عبارت است از: رابطه والدین و فرزندان (فصل ۱)، ثروت (فصل ۲)، تاریخ (فصل ۳)، سرنوشت دانشمند و جاهل (فصل ۴)، ارزش زمان (فصل ۵)، سفر فواید (فصل ۶)، علایق علم (فصل ۹)، اخلاق آن (فصل ۱۰)، ازدواج (فصل ۱۱)، سرنوشت (فصل ۱۲)، حرفه ای بودن (فصل ۱۳) در حقیقت واقعی و مجسمه ای، جسم و روح (فصل ۱۴)، توپوگرافی و مواد معدنی (فصل ۱۶)، تعبیر خواب (فصل ۱۹)، آیات بدیل (فصل ۲۰)، تفسیر برخی احادیث (فصل ۲۲)، تعریف اخلاق انسانی (فصل ۲۳) همانطور که رساله وی در مورد تمدن (فصل ۱۵) و داستانهای مختلف واقعی (فصل ۱۸ و ۲۱) همچنین در جزوه آخر به موضوع مسئولیت پادشاه را در برابر مردم بر اساس ۱۰ شرط پرداخته است. عشق به حرفه، علم، صداقت، مقام، پرهیز از حرص و طمع برای ثروت، مهربانی با انسانها، انجام امر به معروف و نهی از منکر در هر صورت، اخلاق اسلامی محتوای اصلی آموزه‌های اوست. دانش به این نکته اشاره دارد که علت همه بی عدالتی‌ها و بی عدالتی‌ها این است که امور دولت در دستان پادشاه است. به همین دلیل معتقد است که سیستم قدیمی دولت باید تغییر یابد. او خواستار برابری همگان در قانون و تصویب قوانینی است که ملاک آن مردم باشد و آنها را به سوی فضایل سوق دهد.

۱۴. «Номус-ул-абзам»: این کتاب درباره دین اسلام است.

۱۵. «Меъёр-ут-тадаюн»

۱۶. در این رساله تنها راه اصلاح امارت فرتوت بخارا را سرنگون کردن آن با زور دانست.

۱۷. از این رو بود که دانش در پاسخ به روحانیت زمانه خود دو رساله «معیارالتدین» و «تاموس اعظم» را نوشت و به تحلیل نوینی از احکام دینی پرداخت.

عنوان کتابدار مشغول به کار شد. دانش در سال ۱۸۹۷ در دوره حکومت امیر عبدالاحد در سن ۷۰ سالگی در بخارا درگذشت.

۲. میرزا محمد عبدالعظیم سامی بوستانی بخارایی^{۱۸} (۱۸۳۸-۱۹۰۸م) (۱۲۵۳-۱۳۲۵ق) (۷۰ سال به میلادی) ادیب، مورخ، شاعر، خوشنویس و دبیر تاجیک، زاده روستای بوستان^{۱۹} در شمال بخارا بود. او شاگرد احمد دانش و ملا سعدالدین ماهر^{۲۰} بوده است و با تخلص سامی شعر می‌سرود^{۲۱}. سامی به عنوان واقعه نگار رسمی و دبیر دربار بخارا در دوره‌های امیر مظفر و امیر عبدالاحد خدمت می‌کرد. سامی چند بار در هیأت سفارت خانگری بخارا به روسیه سفر کرد. یک بار در ۴۳ سالگی از سوی امیر مظفر به همراه ولیعهدش عبدالاحد در مراسم تاج‌گذاری الکساندر سوم تزار روس در سال ۱۸۸۱م سن پترزبورگ شرکت کرد^{۲۲}. سامی به واسطه منصبی که داشت به مکاتبات و اسناد مهم تاریخی امارت بخارا در این دوران دسترسی داشته است. کتاب‌های متعددی از جمله «تحفه شاهی»^{۲۳}، «مثنوی دهمه شاهان»^{۲۴}، «مراه الخیال»^{۲۵}، «رساله صنعت محزون»^{۲۶} را نوشته است. سامی به عنوان وقایع نگار رسمی سپاه بخارا از نزدیک بسیاری از رخدادها در دوران خود را مشاهده کرده و آثار تاریخی خود را بر این اساس ثبت و ضبط نموده است. ویژگی کتاب «تاریخ سلاطین منغیته» سامی این است که او این کتاب را در پایان عمر خود در حالی که هیچ منصبی نداشته و در گوشه عزلت و در فقر می‌زیسته، یعنی در سال ۱۳۲۴ قمری درست یک سال پیش از مرگش با نگاه انتقادی و واقع‌گرایانه نگاشته است.

۳. صدرالدین سید مرادزاده عینی^{۲۷} (۱۸۷۸-۱۹۵۴م) (۱۲۹۵-۱۳۷۳ق) (۷۶ سال به میلادی) متفکر، ادیب، روزنامه نگار و انقلابی تاجیک، زاده روستای ساکتی^{۲۸} ناحیه غجدوان در بخارا که در

18. Мирза Мухаммад Абдалазим Сами

۱۹. Бустон در ۴۰ کیلومتری شمال بخارا در جاده کریمه

20. Са'ддин Махир

۲۱. نمونه شعر سامی:

«دم غنیمت دان ز چرخ بیمدار اندیشه کن مگذران امروز از انجام کار اندیشه کن
دیده‌های دام آرد بر زمین مرغ هوا چشم خود بگشا ز چشم انتظار اندیشه کن
هیچ می‌دانی که سامان تو رنگ رفته است اعتباری گیر ای بی‌اعتبار اندیشه کن»

۲۲. در همان سفری که استاد او احمد دانش نیز حضور داشت و گزارش آن را نیز در تاریخش نوشته است. در این سال دانش ۵۴ سال داشت. دانش و سامی با این که رابطه استاد و شاگردی داشتند و هر دو مورخ و اهل یک شهر و هم عصر و هم سفر بودند، در تاریخ‌های خود هیچ نامی از یکدیگر نبرده‌اند!

۲۳. کتابی در باره رخدادها و خانگری بخارا در دوره امیران منغیت که سامی در سال ۱۳۱۹ق نگاشته است.

۲۴. او در این مثنوی خاندان منغیته را هجو کرده است.

۲۵. این کتاب شامل ۱۲۱ باب و مجموعه‌ای از حکایات گوناگون ادبی، شرح حال و مطایبه است که سامی دربار ۳۴ شاعر تاجیک سد نوزدهم میلادی نوشته است.

۲۶. درباره فنون منشی‌گری، نامه‌نگاری و انشانویسی است.

27. Садриддин Айни

28. Соктареи тумани

مدارس مختلف میر عرب، عالم جان، بدل بیگ، حاج زاهد، کوکلتاش و حسین بای در بخارا تحصیل کرد و تحت تاثیر آثار احمد دانش قرار گرفت و از سال ۱۸۹۶ با تخلص عینی شعر می‌سرود^{۲۹} و پیش از نیما یوشیج «شعر نو» سروده بود^{۳۰}. در سال ۱۹۰۹ او کتابی با نام «تَهذیب الصبیان»^{۳۱} برای شاگردان «مکتب نو» در بخارا نوشت ولی به دستور امیر بخارا که خوشایندیش نبود، ۷۵ چوب به او زدند و برای درمان ۵۲ روز در بیمارخانه روس‌ها در کاگان در جنوب شرقی بخارا بستری شد. سپس به سمرقند^{۳۲} و تاشکند در پناه حاکمیت شوروی رفت و پس از انقلاب اکتبر در ۱۹۱۷ روحیه شاعری و نویسندگی او با شور انقلابی تقویت گردید و آثار زیادی برای تاریخ و ادبیات تاجیک خلق نمود. از جمله: «قصیده در وصف سمرقند و بخارا»^{۳۳} «تاریخ انقلاب فکری در بخارا»^{۳۴}، «جلادان بخارا»^{۳۵}، «عصیان مقنع»^{۳۶}، «تاریخ مختصر خلق تاجیک»، «تیمور ملک قهرمان خلق تاجیک»^{۳۷}، «مکتب کهنه»^{۳۸}، «مختصر ترجمه حال خودم»^{۳۹} «یادداشت‌ها»^{۴۰} در چهار جلد، «نمونه ادبیات

۲۹. نمونه شعر عینی:

«دوستان! فاجعه سخت بیامد به سرم رفت از این فاجعه روح از تن و نور از بصرم
جگر آب شد و ریخت ز دو چشم ترم جگرم! وا جگرم! وا جگرم! وا جگرم!»
نمونه دیگر:

«از دبستان غمت طفل دل "عینی" زار عید و آدینه به هم آمد و آزاد نشد»

۳۰. نمونه شعر نوی عینی ۵ سال پیش از سرودن شعر نوی نیما یوشیج:

«مارش حریت

ای ستمدیدگان، ای اسیران!

وقت آزادی ما رسید

مزدگانی دهید، ای فقیران!

در جهان صبح شادی دمید...

هر ستمکار دون خرم و شاد

سالها جام عشرت چشید در شب تیره جور و بیداد

هر ستمدیده محنت کشید...

۳۱. Таҳзиби-ус-сибён: کتاب تهذیب الصبیان از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول دربارهٔ مکتب، علم، دانش، حرمت پدر و مادر و استاد، اهمیت دوستی و علم آندوزی و نیکوکاری و... و بخش دوم به نام خاندان خوشبخت دربارهٔ خانوادهٔ محمد یوسف دهقان و متشکل از حکایات خرد و پند و اندرز و طرز مکاتبهٔ دوستان با نمونه اشعار و امثال است.

۳۲. خانه عینی در سمرقند هم اکنون "موزه استاد عینی" است.

۳۳. در سال ۱۹۱۹

۳۴. Таърихи инкилоби Бухоро» در سال ۱۹۲۰

۳۵. Чаллодони Бухоро» در سال ۱۹۲۰

۳۶. در سال ۱۹۴۴

۳۷. در سال ۱۹۴۴

۳۸. Мақтаби кӯҳна» که خود نوشته‌های عینی است در باره مکاتب قدیم در بخارا

تاجیک»^{۴۱}، «فت نیم تفصیلی تاجیکی»^{۴۲} و چند رمان کوتاه اجتماعی تحت تاثیر انقلاب روسیه مانند «آدینه»^{۴۳}، «دخونده»^{۴۴}، «غلامان»^{۴۵}، «مرگ سودخور»^{۴۶} و «یتیم»^{۴۷} را نوشت. عینی مطالب کتاب «تاریخ امیران منغیتیة بخارا» را نخست در سال ۱۹۲۲م در مجله «شعله انقلاب» نشر داد و سپس در ۱۹۲۳ به شکل کتاب در تاشکند منتشر نمود. او در سال ۱۹۵۴ در شهر دوشنبه درگذشت.

پیش از این اس. ان. برژنوا^{۴۸} و او. آ. بوگدانووا^{۴۹} پژوهشگران روسی در مقاله ای تحت عنوان «جنگ خانات بخارا با امپراطور روسی از دید شاهدان عینی (نیمه دوم سده نوزدهم و سده بیستم)»^{۵۰} به مقایسه دیدگاه‌های تاریخی دانش و سامی پرداخته‌اند.

این مقاله یکی از انگیزه‌های نگارنده برای گردآوری این مجموعه بوده است. پژوهشگران این مقاله دانش را حامی ماموریت تمدنی روسیه دانسته و سامی را آشکارا برخوردار از طبیعت ضد روسی

۳۹. در سال ۱۹۴۰ در سمرقند نوشته شد.

۴۰. «Додонотхо ё хотирот» در سال‌های ۱۹۴۹-۱۹۵۴ آخرین و مهم‌ترین اثر او و به عقیده ای دایره المعارف بخارای پایان قرن ۱۹ و ابتدای قرن ۲۰ فرارود است.

۴۱. کتاب نمونه ادبیات تاجیک Намунаи адабиёти тоҷик در راستای اثبات هویت تاجیکی به سفارش دولت تاجیکستان در سال ۱۹۲۵ تدوین شد که سه بخش دارد: بخش اول شرح زندگی و نمونه اشعار هشتاد شاعر از رودکی تا سیدای نسفی بخش دوم شرح احوال و نمونه اشعار ۱۳۲ شاعر کلاسیک میان سال‌های ۱۷۸۵-۱۹۲۴م و در بخش سوم سرگذشت و آثار ۱۱ نویسنده که با تاثیر گرفتن از انقلاب اکتبر به خلق اثر پرداخته‌اند.

۴۲. این کتاب در سال ۱۹۲۶ نوشته شده و بیش از ۱۱ هزار واژه را در برمی گیرد و نیمی از لغت‌ها از زبان روزمره مردم گرفته شده و به این شکل و معنی در دیگر فرهنگ‌ها دیده نمی‌شود.

۴۳. «Одина» در سال ۱۹۲۴ نوشته شد که رمان کوتاهی است که وضع روستاییان کوهپایه‌های شرقی بخارا و تغییراتی را که انقلاب در شیوه زندگی سنتی آنان پدید می‌آورد نشان می‌دهد. آدینه نام روستایی تاجیکی است که داستان پیرامون اوست.

۴۴. «Дохунда» در سال‌های ۱۹۲۷-۱۹۲۸ نوشته شد و اولین رمان بلند تاجیکی است که قهرمان آن «یادگار» یک مبارز کشاورز است که می‌کوشد محیط پیرامونش را براساس ارزش‌های کمونیستی تغییر دهد.

۴۵. «Ғуломон» در سال ۱۹۳۵ نوشته شد و آن را بهترین رمان عینی نامیده‌اند که این رمان سرگذشت یک غلام سابق است، زمانی که توسط غلام تازه‌ا از افغانستان به بخارا برده و فروخته می‌شود، زندگی دهقانان تاجیکی از اوایل قرن ۱۹ تا ۱۹۳۰ به تصویر کشیده شده است.

۴۶. «Марги судхур» نوشته سال ۱۹۳۷ عینی است که حکایت خست، دورویی، ریا و نیرنگ در جامعه بخارای آخر قرن ۱۹ است. در این کتاب توجه ویژه عینی به مسائل روان‌شناسی است و در آن طنز برجسته‌ای نهفته است که حکایت از واقعیت بخارای آن روز می‌کند. «قاری اشکمیه» شخصیت اول این داستان، نمونه‌ای است از جامعه بخارای زمان نوجوانی عینی و وضع علم و ادب و فرهنگ و اقتصاد در این دوره است.

۴۷. Ятим در سال ۱۹۴۰م نوشته شد.

48. С.Н. Брежнева

49. О.А. Богданова

50. ВОЙНА БУХАРСКОГО ЭМИРАТА С РОССИЙСКОЙ ИМПЕРИЕЙ В ВОСПОМИНАНИЯХ ОЧЕВИДЦЕВ

می‌داند.^{۵۱}

خلاصه مقایسه دانش و سامی در این مقاله به شرح زیر است:

سامی به عنوان یک میهن پرست به فتوح روسیه در آسیای میانه خصمانه نظر کرده و در تحلیل این رخدادهای توجه خود را فقط به موارد زیر نمایان ساخته است:

- عملیات نظامی در طول جنگ روسیه و بخارا
 - عقب ماندگی عمومی نظامی و فنی نیروهای بخارا
 - بی‌کفایتی نظامی بخارا در مواجهه با سربازان روسی
 - اختلاف نظر مقامات عالی رتبه و عدم وحدت در فرماندهی نظامی در نیروهای بخارا
 - انفعال امیر بخارا که در هیچ جا به عنوان یک سازمان دهنده فعال عمل نمی‌کند.
- دانش** به عنوان یک اصلاح طلب بر خلاف سامی توجه خود را به موارد زیر نشان داده است:

- توجه به مسایل اقتصادی و اجتماعی جامعه بخارا
- انتقاد از شخصیت امیران بخارا
- انتقاد از فساد در دستگاه‌های مختلف امارت بخارا
- انتقاد از وضعیت صاحب منصبان و وظیفه داران امارت بخارا و عواملی که موجب بی‌نظمی دولت شده

- توجه دادن به تمایل مردم سمرقند به پیوستن به روسیه پیش از سقوط سمرقند

همچنین در مقایسه دو تاریخ **دانش و سامی** به موارد زیر نیز اشاره کرده است:

- **دانش** به شدت و به‌طور واضح از نظم امارات و ساختار امارات انتقاد می‌کند.
- **سامی** به مسایل دولت علاقه‌ای ندارد و به دور از انتقاد، نیازی به تغییر در دستگاه امارت بخارا نمی‌بیند.

- **سامی** توجه اصلی خود را به عملیات نظامی و جزییات آن در جنگ با روسیه و خانات همسایه معطوف کرده است.

- **دانش** تصویری از اوضاع امارت بخارا را نشان می‌دهد در حالی که دلایلی را که به نظر او منجر به تضعیف ارتش بخارا شده، تحلیل می‌کند.

- **سامی** یک مورخ معمولی است که کمتر به بررسی مسایل و مشکلات علاقه دارد.

- **دانش** مورخی است که در نقش یک اصلاح طلب برای بازسازی دولت در امارات بخارا برنامه‌ارایه می‌دهد.

51. S.N. Brezhneva, WAR OF THE KHANATE OF BUKHARA WITH THE RUSSIAN EMPIRE IN THE MEMOIRS OF EYEWITNESSES (SECOND HALF OF XIX-TH CENTURY), Leningrad state University named after A. S. Pushkin 10 Peterburgskoe shosse, St. Petersburg, Pushkin, 196605, Russia

- سامی بر خلاف دانش به شدت تمام با روسیه مخالف است او همه این نظرات اصلاح طلبانه را رد می‌کند. او با همه آثاری که همراه با ظهور روس‌ها در جامعه بخارا ظاهر شده مانند: استفاده از راه آهن، تلفن، تلگراف مخالف است.

- سامی در یکی از ماموریت‌های سفارت بخارا در روسیه، همراه با دانش بوده، نکته جالب این که این سفر تاثیر عمیقی بر دانش می‌گذارد ولی بر سامی تاثیر قابل توجهی نداشته است.

در نظر نگارنده این سطور هر چند این مقاله به نکات مهمی در مقایسه دانش و سامی توجه داشته است ولی نگرش خارجی این پژوهشگران روس به مسایل داخلی جامعه سنتی بخارا چنان عمیق نبوده که آنها بتوانند با هر دوی این مورخان همدلی منصفانه و محققانه ایجاد نمایند. این پژوهشگران با تاکید بر یک فرضیه که دانش یک اصلاح گر منتقد حکومت و طرفدار پیشرفت تمدنی روسیه در آسیای میانه و سامی یک میهن پرست محافظه کار و ضد روسیه و طرفدار دوام امارت بخارا بوده، شواهدی از منابع تاریخی برای تایید فرضیه خود گردآوری نموده‌اند و جستجوی بیشتر در سایر زمینه‌های این مقایسه را فروگذاری کرده‌اند. در حالی که با بررسی بیشتر خواهیم دید، دانش روشنفکر و اصلاح طلب متأثر از زمانه خود از نگاه‌های سنتی هم برخوردار بوده و همچنین سامی سنتی و محافظه کار نیز متأثر از زمانه خود منتقد و متجدد بوده است. این دو در یک شرایط تاریخی هر دو منتقدانه به رخدادهای تاریخی نظر کرده‌اند، با این تفاوت که دانش نقطه عزیمت را بر پایه محور بیرونی دانسته و سامی نقطه عزیمت را بر پایه محور درونی پنداشته است. به نظر می‌رسد که هر دو دیدگاه نه صرفاً در تعارض با یکدیگر بلکه مکمل یکدیگر باشند. شاید به نحوی تلفیق این دو نوع نگرش در عینی به منصف ظهور رسیده باشد. او نقاط عزیمت تحول خواهی را بر پایه دو محور بیرونی و درونی تحلیل کرده است. تحول خواهی عینی بر دو پایه سوسیالیسم مدرن روسی و فرهنگ سنتی تاجیکی استوار است.

با این مقدمه نگارنده بر آن است که سه نوع نگرش تاریخی را در تاریخ نگاری‌های دانش، سامی و عینی در مورد رخدادهای تاریخ خانگری بخارا به ویژه در دوره تسلط روسیه بر این منطقه با تکیه بر این سه منبع تاریخی مقایسه نماید.

- دانش علاقه خود به الهیات و فلسفه و همچنین نجوم و تنجیم را به تحلیل‌های تاریخی تسری داده و با نگرش سنتی تحولات تاریخی را وابسته به دو عامل دانسته است:

۱- ظهور مجددین سده و هزاره - ظهور این مجددین را اول اینکه منحصر به فرق اسلامی ندانسته و با بیان این نکته که: «بقای کفر نیز از الزام لوازم است که آبادی جهان به کفر مجامع است، از آن که به ایمان، زیرا که نتیجه ایمان ترک و تجرید است، از ما سوالی حق» و این به آبادی جهان هیچ تعلق ندارد، مگر مجرد چند روزی باشند و آن به دره کوه و درون مغاره سپری می‌شود، به خلاف کفر که بنای آن بر غفلت از حق و انکار از حشر و نشر است و این سبب عمارت و زراعت جهان می‌گردد.» ظهور مجدد را در هر ملتی از نصارا و مجوس و شیعه میسر می‌داند و دوم اینکه ظهور مجددین را از پادشاهان ممکن می‌داند، مانند اینکه: «خود امیر تیمور کورگانی مجدد مائه هشتم است و بعد از او در هر قطری از

دیار اسلام مجددین برخاستند. مثلاً سلطان حسین [میرزا] بایقرا در قرب مائه نهم از هرات برخاست و امیر عبدالله خان در سر هزار از بخارا و در هزار و صد، سید سبحان قلی خان و در هزار و دوست حضرت مرحوم امیر معصوم [یعنی] امیر شاهمرادی و همچنین در معاصر این مجددین علمای متبحرین برخاستند در ممالک ماوراءالنهر و همچنین در سایر بلاد اسلام از پادشاه و علمای مجدد ظاهر شدند چنانکه در هند اورنگ زیب و شاه جهان».

۲- پدیده‌های نجومی - مانند این که: «به واسطه تقابل مریخ به زهره دین ضعیف شود و فقر و رعیه و اعیان و اشراف ملک ضرر کنند». البته در کنار به این موضوع عوامل واقع گرایانه تاریخی نیز توجه دقیق دارد مانند اینکه عوامل افول حکومت امیر دانیال را «به سبب آن که مردم اوزبک در امور دولتی تداخل یافته [است] جهت بی‌ضبطی سلطنت [شده] هر چه از جا هر جا یافته‌اند، متصرف و مالک شده» می‌داند و عوامل استیلای روسیه در ماوراءالنهر را چنین عنوان می‌کند: «عسکریه چون آزرده بودند و سرکرده [گان] آنها مردمان دون [همت و نادان و بی غیرت] همه پشت داده، خدمت غلامان را عار دانسته رو به گریز نهادند تا همه ولایت‌ها در قبضه روسیه درآمد».

- سامی در تحلیل تحولات تاریخی توجهی به این امور ننموده ولی تقدیر گرایانه به وقایع تاریخی نگریسته و اراده الهی را در افول امارت بخارا دیده چنانچه می‌نویسد: «چون اراده الهی به کسر شوکت دولت و تنبیه و تادیب متصدیان امور ملت قرار یافته بود، به مضمون «اذا اراد الله شیئا هیأ له أسبابه» اسباب زوال ملک از چهار طرف آماده شدن گرفت.» او همچنین به جبرگرایی تاریخ اعتقاد دارد و در جایی با ذکر حدیثی غیر موثق از پیامبر به این موضوع اشاره می‌کند: «کل سادس مخلوع» و از برای صدق این خبر از رسول الله صلی الله علیه و سلم ابتدا کرده، تا خلفای بنی امیه و بنی عباس و سایر سلاطین ممالک از هر زمره ناس ذکر کرده، هر ششم را مخلوع مندرج گردانیده است. واقعا از روی تقریر کتاب مذکور هر خلیفه و حاکم ششم را ضلع ثابت شده که خفایی ندارد. آری کلام معجز نظام رسول صادق مصدوق چنین خواهد بود، از روی قاعده مذکوره و مفاد خبر مذکور این معنی در این ماده به سلاطین این دیار نیز صادق می‌آید».

- دانش در تاریخ خود منتقد شخصیت، روش حکومت داری و سیاست‌های امیر بخارا بوده و شواهدی بر ناتوانی و بی‌تدبیری او ارائه نموده است مانند: «به عرض امیر رسانیدند که دفع روسیه از آنجا واجب است که به مدت اندک قدم از آنجا درون‌تر می‌نهد و مزاحم احوال مسلمانان می‌گردد» و «امیر این مقدار جواب داد که دولت روس دولت بزرگ است و ما را دستگاه مقابله شدن به او نیست و او مقابل فرنگها و اسلامبول است. الحال جایی که او آمده، از قلمرو ما خارج است. اگر باز خواستی کنیم وجهی نداریم. تواند که گوید این زمین بی مالک است، اگر در کار بود، چرا آمده صاحبی نکردی؟ و به ما خصم شود. الحال به ما زبان دوستی دارد، اگر وقتی شود که داخل زمین ما شود، کار در آن حال یک طرفه خواهد شد، آن چه گرفته خواهد داد و یا آنچه ما راست خواهد گرفت. در آن وقت معامله میان ما و او شمشیر باشد و بس.» و «و قبل از الحاق شدن تاشکند به دولت روسیه در ایامی که امیر عزیمت سفر

خوَقند داشت، محرر سطور بنابر مهمی در اردوی سلطانی بود. امرا برای مصلحت به حضور امیر می‌رفتند. بعد از اتمام مجلس یکی از وزرا بیرون شد من از محاورات مجلس پرسیدم گفت: بعضی از امرا سواری بالای تاشکند را ترجیح نموده، عرض کردند. مرضای امیر نیفتاده فرمود که بالای تاشکند آنکه غلبه آورده است، نوکری از عسکر روسیه است. مرا عار و ننگ می‌آید که به یک نوکر او مقابل شوم. من اگر سواری کنم، راست بالای مسکو می‌روم. این سخن از آن جهت گفته، که دولت روس را همچو حکام دولت ماوراءالنهر اعتقاد کرده بود و بر آنها چون غلبه نمود گمان کرد که به اروس نیز غالب باشد. و «و از جایی که امیر نزول فرموده، امیر در سایه شامیانه به لعب شطرنج مشغول بود، آنا و فآنا، پیشخدمتان را می‌فرمود که رفته، تعیین کنند که خزینه روسیه به دست نوکریه تلف نشود و بسیار مردم روسیه را نا کشته زنده آرند که در زمره سربازان ما ایستاده خدمت کنند و نظام را جاری دارند» و «چنین بی ضبطی و بی نسقی که در این دولت ظاهر شد. در هیچ عصر و زمان کس نشان نمی‌دهد» و «بس اگر حالت سلطان را تفتیش کنی، فاسقی، ظالمی، سفاکی و قاضی مردی مرتشی، حرام خواری و غاصبی و رئیس کسی که... فروشی بی‌دیانتی [و عسس] مخمر مقمری [سر کرده راهزنان و سرکرده سارقان می‌بود].» و «دیگر کاری که امیر در بقای دولت و رواج سلطنت دخلدار می‌پنداشت، دعا و صلوات بود، نه شمشیر و تازیانه».

- سامی نیز با اینکه تاریخی رسمی را از نگاه یک دبیر و منشی حکومتی تالیف نموده است ولی با زیرکی و هوشمندی سلسله امیران بخارا را به نقد کشیده است. برای نمونه در مورد امیر مظفر بخارا می‌نویسد: «زاغ عجب و پندار در دماغش آشیان کرده و بیضه نهاد. به مضمون «کلا ان الانسان لیطغی ان راه الاستغنی» نمرود در نظرش مثل پشه نمود و کاوس کی، کی در خیالش گذشت. به فحوائی «زاد فی الطنبور نغمه» بل نعمات، در جور و اعتساف از پدر مرحوم پیشی گرفت که چرا فرزند قابل از پدر دهر کم باشد. تا رفته کار به تجاوز حدود شرعیات کشید. «العاقل مکفیه الاشارة» البته در مورد حوادثی که برای حفظ موقعیت و یا جانش نمی‌توانسته تحلیل واقعی خود ارائه دهد، منصفانه و مصلحت اندیشانه سکوت کرده است. برای نمونه می‌نویسد: «حادثه میده یولغون چیزی تفصیل می‌خواهد؛ اما موردش نیست و حفظ احوال دامن گیر است؛ معذور دارند».

- دانش مقصر جنگ و شکست در برابر روسیه را شخص امیر بخارا می‌داند و نتایج خفت بار آن را متوجه شخص امیر دانسته و می‌نویسد: «[یکی که] از اعاظم روسیه در قید و حبس این عسکر بود که نزد ملاقات هر کدام صلاح دولت و بقای سلطنت ایشان را تلقین می‌کرد که اگر شما خواهید من از اینجا هم مصالحه در میان می‌افکنم. در وقت بلوای لب دریا می‌گفت: من عهد می‌کنم که روسیه از دریا تجاوز نکند و این طرف دریا از شما باشد و در وقت بلوای دیزخ می‌گفت: من معاهده می‌کنم که از دیزخ این سوی از شما باشد و به چه نوع که دل شما قرار گیرد من به همان نوع دل شما را مطمئن می‌گردانم. کسی این سخن [ها] از وی قبول نمی‌کرد و به امیر متصدی عرضه کردن هم نمی‌شد که موافق مرام امیر نیست. [و نیز] وی می‌گفت: شما مرا مخلص دهید و به من شخصی همراه کنید تا من رفته، درستی

کار شما کنم که شما مرد جنگ روسیه نیستید. به پیش او قبول می‌کردند، چون بیرون می‌آمدند به رفتار و کردار خویش بودند و به امیر سخن او را نمی‌رسانیدند.» و «پس چار و ناچار به مصالحه پیش درآمدیم و آن رئیس روسیه را که در حبس ما بود به مفت مخلص دادیم و یک لک و هفتاد هزار دینار از زر سرخ دادنی شده، میان زمین بخارا و زمین سمرقند خط تفرقه جدا کرده، به جان امان طلبیدیم.» و «و این مبلغ پول برای خراجات روسیه که به بالای ما کرده بود، [تضمینات محاربه گویان] متصدی [دادن] شدیم، تا از تعرض بما دست بردارد و شاهزاده بخارا را به رسالت و سفارت و التزام اطاعت همراه این مبلغ نقود به پایتخت امپراطور روس فرستادیم.» و «پیش از الحاق سمرقند به دولت رسی به طریق رسالت و رقیمه سر عسکر روسیه بازخواست کرده بود که اگر بدین شرط و بدین عهد پادشاه بخارا یکی از پسران خود را بفرستاند، ما معاهده نموده، هم از اینجا یعنی از حواشی دیزخ باز مراجعت می‌نماییم و طرح مودت و مصادقت و مواسات در میانه ثابت باشد.»

– سامی در مسئله شکست مقصر را از سطح امیر به دو عامل دست پایین تر تنزل داده است:

۱- امرا، او در مساله شکست در برابر روسیه به بی تدبیری امرا انتقاد کرده و نوشته است: «غشاوه غفات و انانیت چشم همه را پوشیده، این دفعه امرای محصور از سر عناد و سوء تدبیر و غرور حرف ناصحانه او را به گوش راه نداده، طریق مکابره پیش گرفته، از پیدایش جواب را مشتق از «جابوا الصخر بالواد» فهمیده، در جواب او حرف های درشت مکتوب ساخته، امید او را از خیر و صلاح منقطع گردانیدند.» و «بقیه شان شوکت و اسباب دولت که از مقدمه میده یولغون مانده بود در این مورد صرف شد و شخص دولت معرض امراض مزمنه ضعف شده در تدابیر افتاد.»

۲- سپاه، او انتقاد تندی به سپاه خانگری بخارا وارد کرده و دلیل سقوط امارت بخارا را ضعف سپاه می‌داند و می‌نویسد: «فوج سربازیه که اکثر ایشان دزد و قمار و خمار و بعضی مجنون و دیوانه و برخی اعوج و اعمی بوده، صدای تفنگ را نشنیده گی می‌باشد. از مخترعات جدیده طرح سرباز قفقاز خاصه خیل است که ایشان را فوج رکابی خاصه نام نهادند. فوج مذکور همه از مردان نسوان نشان منتظم گردیده، هر جا امردی که در بالای آن جنگ و نزاع شود گرفته، به قفقازیه داخل می‌کنند. به سربازان مذکور لباس های نظامی متعدد به الوان مختلفه پوشانیده، به اسب های رنگ به رنگ سوار به صدای دهل و شیپور ایشان بازار سلطنت را گرم می‌دارند. از هر جا و ولایتی که دزد و قطاع الطریق به دست افتد، عوض قتل، ملتی و یراقی داده، در ذیل سربازیه داخل نظام می‌نمایند که دزدی بی نظام نباشد.... به مضمون «اذا اراد الله شیئا هیأه اسبابه» اسباب کسر شان دولت و زوال نعمت از هر وجه مهیا و مهنا گردیده»

– دانش با رویارویی احساسی با روسیه که با غوغای غزا صورت گیرد هم موافقت ندارد، چنانچه نقدهای تندی بر امور واقع شده در این مورد می‌نویسد: «هم در این آوان روسیه هنوز به بالای دیزخ یوروش نیاورده بود که در شهر [بخارا] میان طلبه علم و علمای متبحر بخارا آشوب و غوغا بنیاد شد که جهاد فرض شده، صغیر و کبیر و وضع و شریف را فرض است، به بالای کفار بیرون آیند.» و «مردم

شهر که گاهی آواز توپ و تفنگ را نشنیده بودند و به معرکه کارزار نرسیده، گمان می‌کردند که غزوه نیز چون معرکه کشتی‌گیری بودگیست، یا میدان پایگه تازی باشد» و «ای، طرفه سخت زمانه عجبی بود، علما به فرضیت جهاد نفیر می‌کشیدند و نمی‌دانستند که این غزا کجا فرض شد و سبب وجوب آن چه بود و غزا به چه اسباب توان کرد و نمی‌پرسیدند که حال خصم در جنگ چگونه است و صلاح او چه نوع است، نفیر عام در کجا توان داد و تشخیص نمی‌کردند که عسکریه که عمری مواجب و خراج ولایت می‌خوردند برای چیست؟ و وضع علوفه آنها در ذمت رعیه برای چه و ندانستند که نفیر عام در جائیست که عسکریه در جنگ عاجز آیند و بعد از تقابل همه به قتل رسند که از ایشان کسی نماند آنگاه نوبت به رعیه رسد.» و «زیرا که وضع علوفه آنها برای آن بوده است که تا رعیه از آسیب دشمن ایمن باشد و آنها سپر تیر خصم باشند و محافظت ایشان نمایند و آنها خون بهای خود را پیش از وقوع واقعه خورده باشند. نه که رعیه برای محافظت عسکر پیش جنگ باشد و در اوقات امن عسکریه خون رعیه [را] بنوشند و باز در وقت آشوب ایشان را پیش اندازند. خیلی نظم جدید است که به هیچ ملت موافقت ندارد.» و «جناب امیر نیز چون این جمعیت را ملاحظه نمود، به خود جزم فرمود که به همین یوروش فتربخ پایتخت امپراطور فتح خواهد شد چه می‌دید که طول و عرض قشون قریب به دو فرسخ می‌رود» و «و مردم روسیه راضی بودند که مصالحه شود. و رساله و نامه فرستادند، معقول امرای دولت [برگشته بخت] ما نشد، یا مدعای او را فهمیدند، یا نتوانستند که به امیر معقول کنند».

- دانش درباره تتایج و عواقب شکست از روسیه برای امارت بخارا با دیده پر بصیرت نظر کرده و نقادانه می‌نویسد: «و بالجمله غلبه روسیه در سمرقند و توابع آن در محرم سنه ۱۲۸۵ واقع شده، آب و طعام مردم بخارا را مگس آلود گردانید و هر چند گاهی جمعی از ایشان به طریق سفارت و رسالت به بهانه ای آمده، محل خراجات و اسرافات بی‌موقع می‌گشتند و امیر از ترس اینکه مبدا آنها برنجد و محل فراغت و عشرت او شوند، یکی بر صد جزیه مسلمانی را به ظلم و زجر جمع نموده به ایشان می‌داد و خود را به دوستی و اطاعت بدیشان می‌نمود. چون تنسيق امور ملکی این دیار به رای و زعم ملوک اینجاست و مردم روسیه کار به انداز نظام کنند و معاملات ما با خلق اکثر مخالف نظام ایشان می‌افتد، به هر پایه احتساب می‌نمودند که تو این کار کردی مخالف دوستی است و این حکم بر خلاف اسلوب اطاعت مگر داعیه انحراف و اختلاف داری؟ باز امیر غریب پول [بسیاری] از فقرا و رعایا به ظلم ستانیده، به ایشان به طریق رشوه و تحفه می‌داد، تا دهان ایشان را بسته گرداند و می‌ترسید که مبدا از سر مملکت خیز نگویند».

- دانش درباره وضعیت سیاسی - اجتماعی بخارا می‌نویسد: «و بالجمله طرفه فترتی در ملت اسلام ظاهر شد که در هیچ عصر و زمان کس نشان نمی‌دهد و [در تواریخ هم] ننوشته‌اند. امیر و وزیر علما و امرا همه قدم بر قدم هم بودند و عالم و متعلم همشکل یکدیگر و همه همت‌ها مقصور و محصور بر کسب نان بود، تا زمانی که کفاف به جوع کند، تحصیل نمی‌شد. مگر به مذلت و خواری که آن را اهل آن عین آبرو و دولت می‌دانستند و همه وضع و شریف جامه‌های برجسته پوشیده و بر عمامه [ها]

طراوت و ضخامت داده، هیچ کسی در نظر دیگری در نمی‌آمد و هر کسی غیر خود در جهان کسی را نمی‌دید و همه سرگرم [در] تردد اینکه سلطان او را بشناسد و قاضی در جلوی خویش نشاند و به رییس هم کاسه [و به عسس همسایه] باشد.» و «در زمان امیر مظفر تفاوتی فاحش در آبادی بخارا واقع شد که روی به تنزل نهاد و اکثر مزرعه‌ها به واسطه نقصان آب خراب گشت که آب بخارا در قبضه تصرف کفار درآمد و بسیاری فقرای مزارعین از تومانات کوچیده و به خاک روس رفتند، به حواشی دریای سیر و اکثر زمینهای مملکت سلطانی از کشت و کار معطل شده، به واسطه بسیاری ظلم [و جبر] عمال» و «اکثر تومان‌های بخارا روی به خرابی نهاده، زارعین به واسطه ظلم و جور عمال اکثر دیهه‌ها را پرتافتند، رو به قزلی و خاک روس نهادند و صاحب آب و زمین گشتند.» و «پس سر رشته نظام و مصلحت از همه مردم این شهر از سپاه و فقرا گم شده همه از همدیگر چاره جو بودند و راه به جایی نمی‌بردند نه سپاه را آسودگی و نه فقرا را ایمنی نه اغنیا را رفاهیت حاصل بود و هر کسی برای تجدید دولت و ملت چشم می‌درید، لیکن اثری بازدید نمی‌گردید».

- سامی نیز به دلایل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رخدادها نیز توجه نشان داده است مانند آن که می‌نویسد: «حاکمان مذکور به خواهش بعضی فساد پیشه گان مالخور ایلاتیه که به غارت و تاراج خو کرده، حرامخوری عادت مخبول ایشان است، در تردد ویرانی و اغتشاش بودند،» و یا «چه در عصر این پادشاه از امرای صاحب اقتدار ایل دار رشید کسی باقی نمانده، اخلاف آنها که اگر تربیت می‌یافتند، جاگیر و قائم مقام پدران می‌شدند. از نظر اعتبار افتاده، بعضی به مزدوری و بعضی در جرات و بعضی به گدایی به روستا رفتند. اوباش زادگان بی پدر و اراذل کاره گان بد گهر به سبب حسن اصطناع و تربیت به اعلا مرتبه تنعم و عزت و مرتبه سر کرده گی بل بالاتر از آن نایل و سرافراز و به جمیع مایمتنا نایل و ممتازند. خصوصاً اراذل شیعی گروه که در اوان سابق اراذل الناس و زبون بوده، روزگار به ملازمت و خوشامد اهل این دیار بسر می‌بردند، به مرتبه ای از تسلط و تغلب رسیده‌اند که مافوق آن متصور نیست. خصوص بعد از گرفتاری شخص دولت به معاند قوی روسیه قوت تمکن و تغلب ایشان به درجه کمال رسید».

- دانش متفکرانه در لابه لای صفحات تاریخ خود سیاست نامه ای پر از طعن و کنایه نیز نگاشته است که با عباراتی مانند: «اگر وزیر بی تدبیر بود در آن ملک و دولت باید گریست» و «گناه آن به ذمت دولت است که در اول چنین کسان را بر سر مناصب و اعمال برداشته است و حال او راست مانده است به بوزینه پاسبان» و «اگر نیک در نگری همه انقلابات و فتور که در این دولت ظاهر شد و نقصانات که در این سلطنت روی داد همه از رکاکت رای وزیر، سستی و بی عقلی و کاهلی او بود.» و «جهاندار تعالی و تقدس چون خواهد که دولت از کسی خلع کند، اولاً اسباب حفظ آن را بر می‌دارد. ثانیاً گوش صاحب دولت را از سخن حق کر می‌گرداند و راه مصلحت و مشورت را بر اهل آن دولت مسدود می‌کند تا همه کار از خارجی ملمع و مخلوط باشد و سر رشته نظام و تدبیر کار گم شود» و «امیر به این مجمع خندان و شکوفان می‌شد و زمانه بر حال او می‌گریست» و «دیده ای کو که نظاره چنین فجاحت و قباحات حضرت امیرالمسلمین را بنماید» و «دیگر چون حاکم ظالم بود و از مسلک عدل و شرع متجاوز باشد، دایم بر

جان و [مال] و دولت خود هراسان بود و سست اعتقاد و بد طینت گردد و به هیچکس اعتماد نیارد. «
مشهود است.

- سامی به بررسی عوامل و دلایل وقایع با اهمیت تاریخی پرداخته است مانند واقعه طغیان عبدالملک علیه پدرش که می‌نویسد: «علاوه بر این عبدالملک توره را به بنی و طغیان منسوب ساخته عرض کرده، به امر و فرمان امیر از سمرقند برآورده، به خزار فرستاد که سبب انکسار و دل شکنی توره شده، عاقبت شومی اتهام او توره مذکور ناچار طاغی شد.» و در واقعه قتل ملایان بخارا «با این همه سوء تدابیر حادثه قتل ملایان واقع شد که حدوث آن امر بالکل سبب اختلال ارکان سلطنت گردیده، آفتاب دولت به افول قریب شد.» همچنین «ظهور این گونه حوادث مستکرها سبب تقویه اغتشاش و ضعف دولت و موجب جرات اعدای شده، روز به روز آثار زوال و انقلاب ظاهر شدن گرفت.» و در سقوط سمرقند «اهالی سمرقند که از جور شیر علی و عدم التفات صاحب دولت به ستوه آمده بودند، خط و خبر به سر عسکر روس رسیده و او را به فتح سمرقند و خواهش خودها مژده دادند. کینرال کاوفمان این معنی را از جمله عطایای غیبی و امداد لاریبی دانسته، به هوای تسخیر سمرقند جازم و با لشکر آراسته به صوب خشت کوپروک عازم شد» همچنین «ظهور این واقعه موجب کسر قلوب لشکر اوزبکیه شده، باعث تفرقه مردم شده.»

- سامی به دلیل مقام وقایع نگاری رسمی دیده و شنیده‌های خود را از وقایع تاریخی ثبت و ضبط کرده است شاهد آن این عبارت است که: «این راقم کمینه عبدالعظیم السامی در این لشکر به خدمت وقایع نگاری همراه امارت پناه رحمان قل بیگ بی پروانچی توق منفیت سر عسکر حاکم حصار شادمان بودم. آنچه به چشم خود دیده از سر گذرانیده‌ام، به خدمت ناظران اخبار عرضه می‌دارم.» و نمونه آن مانند جلسه مشورتی در باره جنگ یا صلح با روسیه که می‌نویسد: «رحمان قل بی پروانچی که مرد خردمند و عاقل بوده، گرم و سرد روزگار دیده، معارک جنگ و جدال را از دیگران بیشتر گذرانیده، مجرب بوده، جانب مصالحه را مرجح دانسته، گفت که البته این وقت صلح از نزاع بهتر است، زیرا که لشکر به ما مردم اوزبک تا حالا این طریقه دشمن با نظام قوی را ندیده بودند، در هر امر قاعده مقابله به مثل است، اوزبکیه را اسباب مدافعه و آلات حرب نصارا نیست... لیکن یعقوب قوشبیگی و بعضی اقران او را که هنوز باد نخوت و پندار از سر نرفته، به همان تعصب و عناد و غناد مورث ضعف دولت ثابت قدم بودند، قبول نیافت. علاوه بر آن قوشبیگی حرف‌های کنایه دل شکن گفته، پروانچی موصوف را به رکاکت رای و جبن نسبت کرده، در مجمع امرا خجالت داد.»

- سامی در تاریخ نگاری خود واقع گرایانه به رخدادها نگریسته است مانند آن که در جنگ با روس‌ها می‌نویسد: «از آنجا که لشکر نظامی نصارا غیر از استعمال گلوله توپ و تیر تفنگ کاری ندارند و اوزبکیه را عادت جنگ میدان و مبارزت مردانه از این گونه حرب نامردانه بی خبر بودند، ابراز تهور و جلالت ایشان غیر از مردن و زخمی شدن نتیجه نبخشیده.»

- سامی به تسلط و نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روسیه در امارت بخارا انتقاد کرده و می‌نویسد:

«بعد از این کارگزاران دولت روسیه در نشر احکام جوریه و وضع قانون ظلمیه جسور شده، زکون نام لقبی تراشیده، افهام باطله خود را در بین مردم این دیار مشهور ساخته، در استحکام بنیان تسلط کوشیدند. الحال یوما فیوما ماده تسلط آنها در تزايد و رواج و ترقی جماعت کوچک ابدال و یضاعف می‌باشد. تا در میانه خواسته کردگار چیست. ابتدای حدوث تیل غراف و راه آهن عرابه بخاریه و کثرت ورود اقوام مباین ملت و وضع چرک و مگزین و ظهور شعار ملل باطله در این دیار شریف مقارن جلوس این پادشاه کامکار صورت ایجاد پذیرفت. اراکین سدیده دولت علیه در پیشرفت امورات دولت روسیه سعی بلیغ و کوشش تمام دارند».

- سامی در وضعیت ضعف و زبونی اکنون به گذشته تاریخی و فرهنگی سرزمین خود غبطه می‌خورد و می‌نویسد: «به حالت زبون گذرایی کرده، در آرزوی لقای مبارک و تمنای ایام سالفه اشک حسرت از دیده باریده، مشرف بر موتند. بعد از افتای این سه چهار نفر نوکر از طرح یساق چنگیزی و رسم سپاهی گری اوزبکی تیموری اثری نمی‌ماند».

- سامی از شکست روسیه از ژاپن احساس خرسندی نموده و این مسئله گشایشی برای مسلمانان تحت سلطه روسیه تلقی می‌نماید چنانچه نوشته است: «دولت چاپون چین که آزرده ناوک ستم روس بوده، از برای انتقام در انتظار فرصت بودند، وقت را مساعد و بخت را موافق یافته، خروج کرده، در صدد استرداد ولایات مقبوضه روس از زمین چین افتاده... به روسیه غالب آمده، آنچه از زمین چین ولایت در قبض دولت روس بوده گی را جبرا و قهرا تخلیه و انتزاع نموده، لشکر روس را که لاف اناد لاغیری می‌زد، شکست فاحش دادند... در جمیع ولایت توابع روسیه ایجاد بلوا و ابراز غوغا داشته، آسایش و آرامیده گی از آن دیار رخت بیرون کشیده، غیر از قتل و غارت و سوختن ولایت و ویرانی از آن ولایت خبری مسموع نمی‌گردد... اگر گرفتاری قضیه چاپون (ژاپن) نمی‌بود، خدا می‌داند که تا حالا چقدر زکون‌های تازه وضع می‌شد... در وقت غلبه و تسلط خود جماعت تاتاریه نوغی مسلمین قزاق را امر نمود که در صلوات‌های مفروضه به جای اذان، زنگوله نواخته، آیت‌های جهاد با کفار را از قرآن شریف اسقاط کرده، از مصحف بیرون کنند و به این نیت فاسد بعضی از زبان دانان روسیه را فرموده، از کلام الله شریف نه پاره را اخراج کرده، بیست و یک پاره دگر را چاپ کنانیده، در قصد اشتهار شد... اما مسلمین دیار قزاق در منع اذان و وضع ناقوس به جای آن از بیچاره گی و ناچاری نوزده سال مهلت گرفته، به درگاه عزیز ذو انتقام ملتجی شده، مترصد لطیفه غیبی بوده‌اند، در راس الماته نوزده مقدمه خروج چاپون واقع و روسیه به او گرفته شده، چنین دولت بزرگ غالب مشرف بر اضمحلال و محو فنای عمومی گردیده، روز تا روز در تنزل و تبدل افتاده، به مرض لا دواء بها مبتلا می‌باشند. تا بعد از این چه شود».

- سامی سلطان عبدالحمید عثمانی را مرکز اسلام دانسته که همواره به جهاد مشغول است و می‌نویسد: «مصدق آن الان اولاً مرکز اسلام سلطان السلاطین خلیفه الله فی الارضین خادم الحرمین الشریفین نایب رسول الثقلین معین المله السدید السلطان عبد الحمید خان لازال لواء دولته مرتفعاً و سیوف جنوده مجندا می‌باشند که همواره به امر جهاد مشغول اند».

- سامی به قیام دوکچی ایشان در اندیجان انتقاد کرده و آن را حرکتی بی موقع نامیده و می‌نویسد: «به شومی فساد آن شیخ متشیخ گمراه که ملقب به دوکچی ایشان بود، مردمان بی دخل بی گناه در دوک برزه چرخ کج رفتار گرفتار دام رنج و بلا گشتند... از بس که حرکت بی موقع آن شیخ دوک تراش سبب تشویش و پریشانی مسلمانان شد».

- دانش در تاریخ خود رخدادهای نجومی را به دقت گزارش کرده و همچنین وقوع بیماری‌ها مانند وبا را آورده است.

- سامی نیز در تاریخ خود از رخدادهای طبیعی مانند شهاب باران و زلزله را گزارش کرده است.

و اما عینی؛ به نظر نگارنده عینی متأثر از دو نگرش تاریخی است که دانش و سامی نمایندگان آن بوده‌اند. عینی با تأثیر از دانش و سامی رشد فکری و بلوغ فرهنگی توانایی یافت و با تحت تأثیر قرار گرفتن در یک جریان فکری جهانی ناشی از انقلاب روسیه به یک بالندگی تحول‌سازی رسید. عینی نماینده گروهی شد که با علم جدید تاریخ روبرو شدند و او با توانمندی توانست درک تازه‌ای از تحولات تاریخی زمانه خود ارائه دهد.

- عینی آشکارا احمد دانش را در تاریخ خود ستوده است و از نقدهای او به امارت بخارا درس گرفته و از او به عنوان متفکری یاد کرده است که مردم زمانه و حتی علمای آن دوره او را درک نکرده‌اند. عینی با استفاده‌های زیاد از تاریخ سامی در تاریخ خود تنها نقطه ضعف آن را این دانسته که تاریخ امیران مغیبت را سال‌ها پس از وقوع رخدادهای آن و از روی حافظه نوشته است.

- عینی در تاریخ‌نگاری خود:

- به استناد به تواریخ محلی و اسناد و مدارک روس‌ها و مطابقت آنها با یکدیگر اهتمام زیادی دارد. او حتی برای رسیدن به تاریخ دقیق رخدادها و اثبات درستی یا نادرستی آن در منابع تاریخی گوناگون کوشش زیادی به خرج داده است.

- به گزارش‌های اروپایی‌ها و سفرنامه نویس‌ها تأکید زیادی نشان داده است.

- عینی برای تحلیل یک رخداد تاریخی:

- به منابع تاریخی متنوع محلی، ترکی، ایرانی و روسی مراجعه کرده است و در تحلیل یک واقعه با دقت تفکیکی برای نظر خود و مورخان دیگر قایل شده و همه آنها را ثبت و ضبط نموده است.

- در تحلیل وقایع تعصبات قومی و مذهبی را داخل نکرده سعی داشته تحلیلی منطقی و عقل‌گرایانه از وقایع تاریخی ارائه نماید. نمونه‌ای از این موارد چنین است: «افتراقی را که شاه اسماعیل صفوی ایجاد کرده، حکومت خود را استحکام داده بود؛ امیر شاه مراد تکرار آن تأکید کرده، این بلا را سر عالم اسلام مبرم گردانید. این دو پادشاه ایرانی و تورانی در لباس زهد و ورع صاحب رکاب فرزندان آدم شده، برای استحکام حکومت خود اختلاف جزئی مذهبی را به درجه اختلاف دینی رسانیدند».

- عینی در تاریخ خود:

- به سیاست‌های روس و انگلیس در آسیای میانه اشاره دارد و با درک دنیای جدید تحلیل رخدادهای تاریخی را متناسب با مناسبات سیاسی عصر خود ارائه می‌دهد.

- امارت امیران بخارا را همه جانبه بررسی کرده برای نمونه روابط امیران بخارا را با اقوام و قبایل، سپاهیان، علما، درباریان و حکومت‌های همسایه جداگانه مورد مطالعه گرفته است.

- دلایل و عوامل جنگ‌ها و عواقب و نتایج آن و عهد نامه‌های صلح مربوط به آن را با یک دید کلی نگر و با توجه به روابط سیاسی میان طرفین و منطقه و شرایط اجتماعی موجود در زمان خودش تحلیل کرده است.

- به رخداد سیاسی مناطق اطراف مانند خوارزم، فرغانه، کاشغر و افغانستان هم توجه ویژه ای نشان داده و این وقایع را در تحلیل رخدادهای امارت بخارا واجد اهمیت دانسته است.

- راهبردهای نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روسیه را در پروژه تسلط بر آسیای میانه و در آخر برای سلطه بر امارت بخارا موشکافانه بررسی کرده است.

- در مورد فساد مالی و ردایل اخلاقی در بخش‌های نظامی، مالیاتی، گمرکی، قضایی و درباری و شخص امیر بخارا به دقت و با جزییات یاد کرده است و علل آن را مورد بررسی قرار داده است.

- داده‌های ارزشمندی در مورد مکاتب قدیم و جدید بخارا و شورش‌های اجتماعی در این رابطه ارائه داده است.

- به اختلافات مذهبی زمانه خود و شورش‌های مذهبی و مداخله روسیه در این اختلافات پرداخته است.

- به بررسی وضعیت سپاه و مسائل نظامی خانگری بخارا پرداخته است.

- به فکر انقلاب در بخارا و حرکت‌های اصلاح خواهانه و تاثیر انقلاب روسیه بر جنبش‌های سیاسی - اجتماعی در بخارا پرداخته و وقایع زیادی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است.

- فرمان امیر بخارا مبنی بر اصلاحات را به دقت بررسی و تحلیل کرده است.

- به اعمال انقلابیون و واکنش ضد انقلابیون بخارا با جزییات و توجه به علل و عوامل و نقش روسیه در این تحولات توجه کرده است.

- تاثیر انقلاب اکتبر روسیه را در خانگری بخارا و جوان بخارییان انقلابی به دقت بررسی کرده است.

دانش، سامی و عینی در نگرش تاریخی خود به دوره آغازین تاریخ معاصر آسیای میانه در ساحت‌های گوناگونی باریک‌بینی و ژرف‌بینی داشته‌اند. **دانش** تمدن جدید را از درگاه دشمن نیرومند یعنی روسیه شناخته و شگفت‌زده شده ولی فیلسوفانه برآن است که اسباب قدرت حریف مدرن را با علل ضعف جامعه خود مطابقت دهد. **سامی** با تمدن جدیدی که به واسطه دشمن مسلط بر سرزمینش یعنی روسیه روبرو می‌شود میانه ای ندارد و دبیرانه به آن خصمانه نگریسته و با اینکه به شدت ضعف امارت و

فساد حکومت را احساس می‌کند، هنوز به قوت سنت فرهنگی خود برای اصلاح آن اعتقاد دارد. عینی هر چند شاگرد مکتب پیشینیان خود است ولی تاریخ را با علم جدید شناخته است. او هم مشتاق تمدن جدید است و هم شیفته سنت فرهنگی خود، عینی تمدن جدید را از راه فرهنگ و تمدن روسیه و البته همزمان با یک ایدئولوژی جهانی جدید به نام سوسیالیسم درک کرده است. از این رو هم انقلابی مسلک و هم ادیبانه، اشتیاق به تجدد و شیفتگی به سنت فرهنگی را توأمان داشته است.

در تصحیح انجام شده، علاوه بر تصحیح برخی لغت‌های متن در کتاب اول و دوم، زیر نویس‌های داخل [] در کتاب نخست و همه زیر نویس‌های کتاب دوم و سوم و همچنین همه نمایه‌ها و پیوست‌ها افزوده مصحح است.

در پایان از اساتیدی که در تهیه منابع و تصحیح این مجموعه یاری رسانیدند، استاد بزرگوار جناب آقای دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد و استاد عزیز جناب آقای دکتر عطاءالله حسنی قدردان و سپاسگزارم. از همکاری بی دریغ جناب آقای داود چرمی در وزارت خارجه در تهیه برخی نسخه‌ها تشکر می‌نمایم.

حسن شجاعی مهر

مرداد ۱۳۹۹

در گیر و دار بیماری کرونا!

اكادیمی فنهای ریسپوبلیکه ساویتی ساتسیالسکی تاجیکستان
شعبه شرق شناسی و آثار ادبی

احمد مخدوم دانش

رساله یا مختصری از تاریخ سلطنت خاندان منغیتیه

به سعی و اهتمام و تصحیح
عبدالغنی میرزایف

نشریات دولتی تاجیکستان
استالین آباد-۱۹۶۰

مقدمه

این اثر متفکر بزرگ عصر ۱۹ [میلادی] تاجیک احمد مخدوم دانش ملقب به احمد کله (۱۲۴۲- ۱۳۱۴ ه. ق / ۱۸۲۷-۱۸۹۷م) که حالا نشر علمی- تنقیدی آن به هم وطنان عزیز و اهل علم و ادب تقدیم کرده می‌شود در اساس پنج نسخه حاضر کرده شده است. از این نسخه‌ها چهار نسخه به کتابخانه‌های دولتی مملکتی ما تعلق داشته یک نسخه آن در کتابخانه شخصی مولف این سطرها نگاه داشته می‌شود. تفصیلات این پنج نسخه استفاده برده شده چنین است:

۱- نسخه «ا» این نسخه خوشبختانه مسوده خود احمد مخدوم دانش است که در تحت رقم ۹۸۲۳ در فاند دستخط‌های شرقی موزه شهر بخارا نگاه داشته می‌شود. کتاب در این نزدیکی یعنی در ۲۶ ماه سپتامبر سال ۱۹۵۹ با تثبیت خادم موزه آ. قاسم‌زاده به دست می‌درآید. نگاه دارنده کتاب محی الدینف نام از اهالی بخارا بوده کتاب به او از بابایش قاضی سید احمد بخاری به طریق میراث رسیده بوده است. قاضی سید احمد از نزدیکان و هم صحبتان احمد مخدوم دانش بوده است که بنابر همین مناسبت مولف این نسخه اثر خود را گویا به طریق یادگاری به او بخشیده بوده است. این اخبارات از یک جهت بی اساس نیست در ورقه‌های ۴۶ و ۴۸ متن کتاب مهر قاضی سید احمد زده شده است که این در حقیقت به کتابخانه این شخص تعلق داشتن نسخه را تاکید می‌کند.

حجم کتاب ۲۲×۱۷ سانتی متر است و متن اثر ۴۸ ورقه بیست خطی را در بر می‌گیرد. خط متن نستعلیق به شکسته مایل شده بوده، به هیچ جای آن آسیبی نرسیده است. نام اثر به وقت تالیف آن همچون دیگر نسخه‌های موجود اثر در جایی قید نگردیده است. ولی در اساس بعضی اشاره‌های داخل کتاب این دو معما را اساسا حل کردن ممکن می‌باشد. این نسخه نظر به دیگر نسخه‌های موجوده چه در مسئله آوردن، حکایت و نقل‌های علاقه مند و طفیلی و چه در اصل متن کامل‌ترین نسخه می‌باشد. اما در عین حال آخر کتاب در این نسخه یک شکل خاتمه ای را به خود قبول نمی‌کند. این قسم اثر در شکل یکپارچه مستقل است که مولف آن را ظاهرا خیلی پیشتر از تالیف اثر هنوز در سال ۱۸۷۸ همچون یک خاطره نوشته، پس همه آن را به این نسخه و قسمت‌های جداگانه‌اش را چه نوعی که در وقت خود در این باره مفصل تر توقف خواهیم کرد، در تحریر دیگر اثر استفاده کرده است.

۲- نسخه «ب» این نسخه در تحت رقم ۵۷۲ در فاند^۱ دستخط‌های شرقی آ. ف. پ. س. س. تاجیکستان نگاه داشته می‌شود. حجم کتاب ۲۰×۱۵ سانتی متر بوده، ۱۳۰ ورقه ۹ خطی را تشکیل می‌کند. کتاب میرزا قابل نام از اهالی غجدوان است که این نسخه را در سال ۱۹۳۵/۱۳۵۴ با سپارش کتابخانه دولتی تاجیکستان از حاشیه دیوانی کتابت نموده، به کتابخانه سپاریده بوده است. خط کتاب نستعلیق است و به هیچ جای آن آسیبی نرسیده است. نام اثر در این نسخه روشن یادآوری کرده نمی‌شود. در پی مکاو^۲ شخصی بنابر حتما خرد بودن اثر باید باشد با رنگ کبود افاده «تاریخچه» را نوشته است. ولی در ورق دویم چنین نوشته می‌شود: «تالیف و اثر احمد مخدوم اوراق دانش تخلص بخاری المشهور به احمد کله منجم مشتمل بر تاریخ از ابتدای دولت امیر دانیال تا عصر حکومت امیر عبدالاحد به بعضی وقایع محاربه امیر مظفر و استیلای روسیه به تاشکند و سمرقند و اوراتیه و دیزخ و کته قورغان و حکایت از جانب امیر مظفر همراه ایلچی و دولت روسیه رفتن و آمدن و اوضاع و اطوار امیر مظفر و امیر عبدالاحد» این جمله‌ها چه نوعی که از طرز بیان معلوم می‌گردد البته به خود احمد دانش تعلق ندارند و عنوان کتاب هم شده نمی‌توانند. شاید میرزا قابل و یا کاتب پیش از او کتابت کرده، اثر برای این که خوانندگان را با مندرجه اثر بهتر شناسا نمایند در اول کتاب به نوشتن این سطرها جرات کرده باشند. این نسخه مانند نسخه «ا» بزرگ نیست در متن جاهایی تاریک و عبارت‌های غلط زیاد دارد ولی در عین حال آخر آن یک شکل خاتمه وار به خود کرده است که ما که ما آن را در نسخه «ا» پیدا نمی‌توانیم.

۳- نسخه «ج» این نسخه در تحت رقم ۲۵۶۶ در فاند دستخط‌های شرقی آ. ف. پ. س. س. تاجیکستان نگاه داشته می‌شود. حجم کتاب ۲۰،۵×۱۶،۵ سانتی متر بوده ۱۱۰ ورقه ۱۰ خطی را تشکیل می‌کند. کتاب هاشم‌زاده سمرقندی می‌باشد که او کتاب را در سال ۱۹۵۷/۱۳۷۵ در سمرقند کتابت نموده است، خط کتاب نستعلیق روان بوده به هیچ جای آن آسیبی نرسیده است. در این نسخه به اثر عنوانی داده نشده است، فقط بعد از اتمام کتاب در بین یک چند سخنی که کاتب علاوه نموده است و ما در این باره در حجابی دیگر صحبت خواهیم کرد (ورقه ۱۰۴) اثر با عنوان «رساله سیاحت» یادآوری کرده شده است. از طرف کاتب چنین نام داده شدنی اثر با احتمال قوی از آن جهت می‌باشد که مسافرت‌های احمد دانش نیز در آن مفصل بیان کرده می‌شود.

این نسخه با تحریر خود به نسخه «ب» تعلق دارد. اگر چندی از طرف متن بعضی دخل‌هایی کرده شده است ولی اصل متن همان است که در نسخه «ب» دیده می‌شود.

۱. [фонд] به معنای بنیاد

۲. [مکاو] به معنای کاوش آمده

۴- نسخه «د» این نسخه در تحت رقم ۱۹۷۸ در کتابخانه انستیتوی شرق شناسی آ. ف. پ. س. ازبکستان نگاه داشته می‌شود. حجم اثر ۲۶×۱۶ سانتی متر بوده ۷۹ ورقه ۱۳ خطی را در بر می‌گیرد. خط کتاب نستعلیق است و عبادالله عادل نام کاتب آن را در سال ۱۹۳۳/۱۳۵۲ کتابت کرده است. به هیچ جای نسخه آسیبی نرسیده، تماما قابل استفاده می‌باشد.

نام اصل اثر را در این نسخه نیز دچار کرده نمی‌توانیم. در ورقه یکم نوشته شده است: «ترجمه احوال امیران بخارای شریف از امیر دانیال تا عصر امیر عبدالاحد از نتایج و طبع غرای ادیب لیب احمد مخدوم مهندس بخارای المشتیر به احمد کله». چه طرزی که از طرز بیان این پارچه معلوم می‌گردد آن به کلمه مولف اثر تعلق ندارد و بیشتر احتمال آن می‌رود که این عنوان از طرف کاتب داده شده باشد.

کتاب از روی یک دست خط خود احمد دانش کتابت شده بوده است. کتاب در آخر ورقه ۷۹ در این باره چنین می‌نویسد: «تسوید نموده شد از روی نسخه مسوده که راقم به خط خود تسوید و تحریر نموده بود». این نسخه اشاره کرده کاتب نسخه «ا» خیلی کوتاه بوده به واقعه مرگ امیر مظفر و به تخت نشستن امیر عبدالاحد خاتمه می‌یابد. (رجوع کرده شود به صحیفه ۱۴۰ این نشر). بنابر این با تمام باور ممکن است، تاکید کرد که نسخه اشاره کرده کاتب مسوده دیگر احمد مخدوم دانش بوده است.

در کتابخانه ذکر شده، نسخه دیگری از این اثر دانش نیز موجود بوده است. زیرا در طرف داخل مقوای نسخه «د» نوشته شده است که نسخه دوم این اثر در تحت رقم ۱۹۶۰ نگاه داشته می‌شود. ولی در وقت جستجو پیدا نشد و بنابر گفته خادم کتابخانه این نسخه متأسفانه گویی مفقود شده بوده است. از احتمال حالی نیست که مسوده اشاره کرده، کاتب همین نسخه مفقود شده باشد:

نهایت این را باید قید کرد که نسخه «د» گر چندی بی واسطه از روی نسخه «ا» کتابت نشده، از دو جهت در بالا قید شده فرق کلانی دارد، ولی متن آن با متن نسخه «ا» خیلی نزدیک می‌باشد.

۵- نسخه «ه» این نسخه کتابخانه شخصی نویسنده این سطرها است. حجم کتاب ۲۰×۳۰ سانتی متر بوده ۵۱ ورقه ۳۰ خطی را تشکیل می‌کند که از این ۳۸ ورق متن و باقی لغات کلمه‌های دشوار فهم متن است. کاتب از خودش نام نمی‌برد کتاب در سال ۱۹۴۴/۱۳۴۳ از روی نسخه «ب» کتابت شده بوده است. در بین متن این نسخه و متن نسخه «ب» فرق کلانی دیده نمی‌شود. فقط کاتب این نسخه در وقت کتابت خواسته است، متن اثر را به طلبات امروزه کتابت اطاعت کنند. از همین جهت متن را به ابزهای^۲ خرد تقسیم نموده، علامت‌های کتابتی امروزه را می‌گذارد که این کار او متأسفانه با موفقیت نبرآمده است.

این نسخه اثر از جانب کاتب «تاریخچه بخارا» نامیده می‌شود. کاتب با احتمال قوی به گذشتن این عنوان به همان نوشتن عقیب مقوای نسخه «ب» تکیه کرده است. زیرا اگر حجت دیگری می‌داشت البته او در این باره می‌نوشت.

مقایسه نسخه‌ها و تفصیلات بالا چنان نشان می‌دهند که پنج نسخه ذکر شده، به یک تحریر اثر تعلق نداشته، بلکه به سه تحریر آن منسوب بوده‌اند. یکی از این تحریرات اثر را اگر ما نسخه «ا» شماریم نسخه «د» تحریر دیگری اثر بوده، نسخه‌های «ب» و «ج» و «ه» به تحریر آخرین آن تعلق دارند. هر کدام از این تحریرها چه طرزی که از تفصیلات بالا نیز معلوم می‌گردد، به خصوصیت‌های خاصی صاحب می‌باشد.

بعد از سنجیدن این سه تحریر ما به این ملاحظه آمده ایم که متن نسخه «ا» را اساس نشر حاضر اثر قرار دهیم، از این جهت که اولاً نسخه «ا» مسوده خود احمد دانش بوده، ثانیاً این نسخه اثر نظر به دیگر تحریرها پرتی می‌باشد و جاهای تاریک و مغلق متنی دیگر نسخه‌ها در این کمتر دیده می‌شوند. در عین حال لازم دانسته‌ایم که فکرهای پر قیمت که احمد دانش در دو تحریر دیگر اثر خود علاوه نموده است، در این نشر به طرز بهتری استفاده خوانندگان قرار گیرد.

از این نکته نظر موافق دانسته شد که فرق متن نسخه‌ها در پاورقی داده شده، علاوه‌هایی در دو تحریر به متن داخل کرده‌ی مولف با علامت‌های مخصوص شرطی در برابر سخت رعایت کرده شدنی جریان فکر مولف و مناسبت‌های صرف و نحو زبانی به خود متن داخل کرده شود. قسمت آخرین نسخه «ا» همان طرزی که در بالا اشاره کرده شده بود یک شکل خاتمه ای در بر نکرده است، از این سبب بهتر دانسته شد که این قسمت نسخه «ا» در جای اتمام خود به پاورقی فرو آورده شده، قسمت خاتمه‌ای تحریر سیوم از روی نسخه «ب» به متن اساسی علاوه کرده شود.

از بس که این اثر در شکل مسوده تا دوره ما رسیده است، بنابر این از اول تا آخر آن هیچ یک وقایع و دوره سلطنت حکمرانی به سرلوحه جدا کرده نمی‌شود. این حالت ممکن بود به خوانندگان دشواری به وجود آرد. از این سبب لازم دانسته شد که اثر به بعضی باب‌ها تقسیم کرده شده، با علامت‌های مخصوص سرلوحه‌ها نیز گذاشته شود، علاوه بر این در متن نیز بعضی کلمه‌ها و عبارت‌های داخل کردن ضرور شد که این علاوه‌ها نیز با علامت خاص نشان داده شده‌اند.

با این طریقه علاوه‌هایی در متن اصلی اثر داخل شده به علامت‌های شرطی زیرین خواهند آمد:

۱- علامت علاوه‌های از متن نسخه «ب» به متن اصلی داخل کرده شده: []

۲- علامت علاوه‌هایی از نسخه «د» به متن داخل کرده شده: [*]

۳- علامت علاوه‌هایی از طرف نویسنده این سطرها به متن داخل کرده شده: [*]

دخل‌های دیگری که در متن کرده شد از این عبارتند: متن اثر در جاهای ضروری به ابزج‌ها تقسیم کرده شد و در عین حال برای این که طرز بیان مولف کتاب در اینجا نیز نگاه داشته شود، واوهای عاطفه (و) کارفرموده او که در جایی به ابزج جدا کرده شده، متن ضروریات خود را گم کرده بودند نیز نگاه داشته

شدند. از این دیگر از جهت موافق تر گردانیدن، مطالعه کتاب بعضا در جاهای ضروری کار فرموده شدنی علامتهایی کتابتی موافق دانسته شد. این چنین بعضی کلمه و عبارت‌های که تلفظ آنها از آداب امروزه خارج است، حرف اولشان نگاه داشته شده، به جای حروفات دیگری آنها نکته‌ها گذاشتن راست آمد.

در آخر این مسئله را باید قید کرد که «رساله مختصر از تاریخ سلطنت خاندان منغییه» در محصول فکری احمد مخدوم دانش موقع خاصی را نقال می‌کند. این اثر از جهت وقت تالیف آخرین و از جهت طلبات غایوی مهمترین اثر دانش می‌باشد. موقع تاریخی در افکار جمعیت خلق‌های آسیای میانه اشغال نمودن، این متفکر زبردست محدودیت غایوی و ضدیت‌های فکری او او در همین اثر وی روشن تر افاده یافتند.

طبیعی است که تمامی طرف‌های این طریقه یک اثر مهمی را در چنین یک مقدمه ای خود بیان کردن ممکن نبود. از این جهت به مقدمه با همین مسئله‌ها باید کرده شده خاتمه داده شد. تدقیقات در این ساحه برده شده و حجت درباره تاریخ تالیف و نام اثر به دست در آمده، با قیده‌ای از روی متن اثر کرده، مولف این سطرها در شکل کتابی علی حده، همچون قسم دویمی این اثر احمد مخدوم دانش نشر گر خواهر شد.

عبدالغنی میرزایف